

مرور انتقادی پژوهش‌های جامعه‌شناختی و مدیریتی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای (۱۳۹۵-۱۳۹۷)

فردین محمدی*، محسن نوغانی دخت بهمنی**، مهدی کرمانی***

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

چکیده

در یک دهه اخیر، پژوهشگران ایرانی حوزه جامعه‌شناسی و مدیریت، از نظریه زمینه‌ای به شکل گسترده‌ای در تحقیقات خود بهره گرفته‌اند. با توجه به ویژگی‌های خاص این روش‌شناسی، مسأله اساسی تحقیق حاضر آن است که پژوهش‌های جامعه‌شناختی و مدیریتی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای از چه نقاط ضعف و قوتی برخوردارند؟ جهت پاسخ به مسأله تحقیق، از فراروش و تکنیک مرور نظام‌مند بهره گرفته شد. جمعیت‌های مورد مطالعه شامل مجموعه مقالاتی است که در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ در مجلات علمی-پژوهشی داخلی منتشر شده‌اند که با توجه به تمرکز مسأله تحقیق بر نقد و بررسی روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای مبتنی بر رویکرد استراوس و کوربین، در مرحله گزینش منابع ۳۶ مقاله انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که تحقیقات مذکور در زمینه معیارهای «صورت‌مسأله تحقیق، تدوین سؤالات جزئی، جامعه مورد مطالعه، تشریح مراحل تحلیل داده‌ها در بخش یافته‌ها، هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها، تکنیک ساخت مقوله، تکنیک تشخیص ابعاد مقوله، تکنیک انتخاب عناوین، تکنیک انتخاب مقوله هسته، اعتباریابی، مقایسه با سایر نظریه‌ها و حساسیت نظری» با مشکلات اساسی مواجه هستند. این مشکلات را می‌توان در پنج دسته چالش‌های تکنیکی، شکاف نظریه و روش، تحریف هدف، عدم معرفت کامل به مبانی نظریه زمینه‌ای و چالش پارادایمی طبقه‌بندی کرد.

واژگان کلیدی: نظریه زمینه‌ای، رویکرد استراوس و کوربین، فراروش، مرور نظام‌مند.

* دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

fardin.mohammadi1@gmail.com

Noghani@um.ac.ir

M-Kermani@um.ac.ir

** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

*** استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

طرح مسأله

انسان از دیرباز در راستای شناخت دنیای پیرامون خود و تبیین تغییرات اجتماعی به بررسی و پژوهش پرداخته و در این راستا از نظریه‌ها و روش‌های مختلفی بهره گرفته است. به تناسب تغییرات اجتماعی پدید آمده در سطح جهان، اندیشمندان علوم اجتماعی نظریه‌های جدیدی را برای تبیین این پدیده‌ها مطرح کرده‌اند. با عنایت به این‌که در تحقیقات اجتماعی نظریه‌ها با روش‌های تحقیق رابطه تنگاتنگی دارند، فلذا مطابق با نظریه‌های مطرح‌شده، روش‌های تحقیق نیز دچار تغییرات عدیده‌ای شده‌اند. به‌طوری‌که هر یک از این روش‌ها با اهداف ویژه‌ای استفاده می‌شوند و پیش‌فرض‌ها و رویکردهای خاصی دارند که این امر موجب دسته‌بندی روش‌های تحقیق شده است (Rabani & Abasszadegan, 2010: 171). در زمینه روش تحقیق به‌طور کلی می‌توان از دو رویکرد کمی و کیفی سخن گفت. رویکرد کمی مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی است و از سنت تجربی اندیشمندانی چون کُنت، دورکیم، نیوتن و لاک نشأت می‌گیرد. این رویکرد جهان را متشکل از واقعیت‌های قابل‌سنجش و قابل‌مشاهده می‌بیند و پس از تبدیل و تلخیص اطلاعات به شکل اعداد کمی از طریق فرایند ریاضی، نتایج نهایی را در قالب اصطلاحات آماری نشان می‌دهد. از طرف دیگر، رویکرد کیفی رویکردی فرااثبات‌گرایانه و مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی است. در این رویکرد یافته‌ها به شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن به دست می‌آیند (Iman & Mohamamdian, 2008: 33; Zolfagharian, & Latifi, 2012: 17). رویکرد کمی و کیفی مبانی پارادایمی خاص خود را دارند و محققان بایستی با توجه به ماهیت مسأله، اهداف تحقیق، جامعه مورد مطالعه و عوامل دیگر، در تحقیق خود یکی از این رویکردها را انتخاب نمایند (Iman & Mohamamdian, 2008: 33). در هر یک از رویکردهای ذکرشده، شیوه‌های مختلفی برای جمع‌آوری و تحلیل داده وجود دارد. در رویکرد کمی روش آزمایش و پیمایش از جمله رایج‌ترین و مهم‌ترین روش‌های تحقیق می‌باشند. رویکرد کیفی نیز روش‌شناسی‌ها و روش‌های مختلفی را در برمی‌گیرد که نظریه زمینه‌ای^۱ یکی از مهم‌ترین آنهاست (Lingard, Albert, & Levinson, 2008: 459).

نظریه زمینه‌ای از همکاری موفقیت‌آمیز دو جامعه‌شناس آمریکایی به نام‌های بارنی گلاسر^۱ و آنسلم استراوس^۲ در طول مطالعاتشان در مورد مرگ در بیمارستان‌ها ظهور کرد (Charmaz, 2006: 4). این مطالعه که حاصل تحقیقات مشترک این دو اندیشمند درباره تجربه بیماران در حال مرگ بود، در سال ۱۹۶۷ در کتاب مشهور «کشف نظریه زمینه‌ای^۳» منتشر گردید (Neuman, 2006: 31). گلاسر و استراوس این روش‌شناسی را یکی از بنیادی‌ترین کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی قلمداد کردند که می‌تواند به بازتولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی شود (Mohammadpour, 2011: 313). نظریه زمینه‌ای یک روش‌شناسی است که مجموعه منظمی از فرآیندها را برای توسعه یک نظریه مشتق از استقرا در مورد یک پدیده، به کار می‌گیرد (Strauss, & Corbin, 2012: 26; Glaser, & Strauss, 1967). دلیل نام‌گذاری این روش‌شناسی آن است که هدف غایی آن تولید نظریه جدیدی است که بر داده‌های گردآوری‌شده از مشارکت‌کنندگان درباره تجربیات زندگی‌شان در یک بستر اجتماعی مبتنی است (Strauss, A. L., & Corbin, 2012: 34; Fassinger, 2005: 157). در واقع این نظریه، روشی برای کشف نظریه‌های جدید بر مبنای شواهد و مدارک است و هدف اصلی آن نظریه‌سازی^۴ از داده‌هاست (Neuman, 1999: 147). از دهه ۱۹۷۰ به بعد تا به امروز دیدگاه‌های مختلفی در مورد نظریه زمینه‌ای مطرح شده است. به طوری که امروزه در عرصه علمی شاهد وجود دو رویکرد نظری مختلف در نظریه زمینه‌ای هستیم که عبارت‌اند از: رویکرد عینی‌گرایی^۵ و رویکرد برساخت‌گرایی^۶. این دو رویکرد شامل سه نظریه اصلی است که عبارت‌اند از: نظریه گلاسر، نظریه استراوس - کوربین و نظریه چارمز که نظریه استراوس نسبت به دیگر نظریه‌ها، رایج‌تر است.

نظریه زمینه‌ای همانند سایر روش‌شناسی‌ها از ویژگی‌ها، الزامات، عناصر و مبانی خاصی برخوردار است که لازم است، پژوهشگران اجتماعی آن‌ها را در پژوهش خویش رعایت نمایند تا بتوانند، نظریه‌ای زمینه‌ای به شکل صحیح در راستای پدیده اجتماعی مورد نظر تولید نمایند. خاستگاه اصلی این روش‌شناسی در حوزه پزشکی و روانشناسی بالینی

-
1. Barney Glaser
 2. Anselm Strauss
 3. Discovery of Grounded theory
 4. Theory Building
 5. Objectivism G.T
 6. Constructivist G.T

است، اما به دلیل انعطاف‌پذیری فوق‌العاده به شکل گسترده‌ای در سایر رشته‌ها از جمله جامعه‌شناسی، پرستاری، آموزش، تجارت، روانشناسی نیز گسترش یافته است (Fassinger, 2005: 156). گسترش نظریه زمینه‌ای در حوزه‌های گوناگون به همراه افزایش تعداد این تحقیقات در سال‌های اخیر، موجب گردیده که برخی از محققان به نقد و بررسی این تحقیقات پردازند که نتایج حاکی از وجود اشتباهات و کژفهمی‌های روش‌شناختی متعدد بود (Valvi, Frangos, Frangos, 2013: 19). در ایران نیز از اواخر دهه ۸۰، محققان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه‌های جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم تربیتی، پزشکی، پرستاری، ادبیات و علوم سیاسی به شکل گسترده‌ای از این روش‌شناسی (البته رویکرد استراوس و کوربین) در تحقیقات خود بهره گرفته‌اند. با توجه به ویژگی‌های خاص این روش‌شناسی و با توجه به کاربرد گسترده آن در ایران، مسأله اساسی تحقیق حاضر آن است که پژوهش‌های مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در ایران از چه نقاط ضعف و قوتی برخوردارند؟ و با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟ با توجه به آن که در حوزه علوم انسانی در ایران، پژوهشگران رشته جامعه‌شناسی و مدیریت نسبت به پژوهشگران سایر رشته‌ها، بیشتر از این روش‌شناسی بهره گرفته‌اند، در این تحقیق سعی بر آن است که دامنه تحقیق به مطالعه تحقیقات تجربی انجام‌شده در علوم جامعه‌شناسی و مدیریت محدود شود؛ بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر نقد و بررسی تحقیقات مبتنی بر نظریه‌زمینه‌ای در ایران با تأکید بر دو حوزه جامعه‌شناسی و مدیریت است. با توجه به مسأله اساسی تحقیق، در این پژوهش سعی بر آن است که به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

– آیا پژوهشگران ایرانی حوزه مدیریت و جامعه‌شناسی ویژگی‌ها، الزامات، عناصر و مبانی نظریه زمینه‌ای (با تأکید بر رویکرد استراوس و کوربین) را در تحقیقات خود به درستی رعایت نموده‌اند؟

– آیا در پژوهش‌های مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در دو حوزه یادشده، ویژگی‌های اصلی نظریه زمینه‌ای نمایان است؟

– چالش‌هایی که پژوهش‌های مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در دو حوزه مذکور با آن مواجه هستند، کدام‌اند؟

– این نقاط ضعف در تحقیقات کدام حوزه مطالعاتی، نمود زیادی دارد؟

پیشینه تحقیق

در زمینه نقد و بررسی تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در داخل و خارج از کشور تحقیقات بسیار کمی انجام شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود. زمانی و بابایی (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «مرور انتقادی تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در برنامه‌ریزی و طراحی شهری» با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک ۴۲ تحقیق مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود در اغلب تحقیقات، اصول نظریه زمینه‌ای رعایت نشده است و نتایج آن‌ها به جای ارائه نظریه به مضامین توصیفی-روایتی و توصیف ضخیم محدود شده است. مک کری^۱ (2016) در پژوهشی با عنوان «مروری بر نمونه‌گیری در مطالعات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در مجلاتی پرستاری» با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک، چگونگی انجام نمونه‌گیری در تحقیقات می‌تواند بر نظریه زمینه‌ای را مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق ۱۳۴ مقاله که در فاصله زمانی 2010-2014 منتشر شده بودند، بررسی شدند. نتایج تحقیق نشان داد که در ۸۶ درصد از مقالات به فرایند تکراری گردآوری و تحلیل داده‌ها اشاره شده، در نیمی از تحقیقات نمونه‌گیری نظری توضیح داده نشده و در اکثر تحقیقات به‌طور مختصر به نمونه‌گیری هدفمند اشاره شده است.

والوی و همکاران (2013) در تحقیقی با عنوان «رفتار کاربران اینترنت و موبایل؛ ارزیابی انتقادی مطالعات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای»، تحقیقات نظریه زمینه‌ای در حوزه رفتار کاربران اینترنت و موبایل را مورد نقد و بررسی قرار دادند. محققان جهت ارزیابی، از روش مرور سیستماتیک و معیارهایی مانند «هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده، تعیین مقوله هسته، مقایسه مداوم، نمونه‌گیری نظری» و مجموعه‌ای از سؤالات در زمینه ویژگی‌های نظریه زمینه‌ای بهره گرفتند. جامعه مورد مطالعه شامل تحقیقات منتشر شده در سایت‌های بین‌المللی و مجلات مختلف در حوزه رفتار کاربران موبایل و اینترنت بود که با توجه به معیارهای تحلیل سیستماتیک، ۹ مقاله انتخاب و ارزیابی شدند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مطالعات مذکور به شکل ناقص و ضعیف نظریه زمینه‌ای را به کار گرفته‌اند، درک ضعیفی از روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای دارند و تبیین ضعیفی از فرایندهای تحقیق ارائه داده‌اند. هوتچیسون و جانستون^۲ (2011) نیز در تحقیقی با عنوان «تحقیقات مبتنی بر

1. Mc-crae

2. Hutchison & Johnston

نظریه زمینه‌ای در روانشناسی ورزشی» به ارزیابی انتقادی مطالعات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در حوزه روانشناسی ورزشی پرداختند. در این تحقیق از روش مرور سیستماتیک و معیارهایی مانند «توسعه مفاهیم و مقوله‌های اولیه از داده‌ها، توسعه نظریه به تناسب گردآوری و تحلیل داده‌ها، اشباع نظری، توصیف کامل از فرایند تحقیق و هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها» بهره گرفته شد. جامعه مورد مطالعه این تحقیق شامل تحقیقات علمی منتشرشده در سایت‌های بین‌المللی و مجلات حوزه روانشناسی ورزشی بود که با استفاده از معیارهای تحلیل سیستماتیک، ۲۱ مقاله انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد علی‌رغم آن که تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در سال‌های اخیر به شکل باور نکردنی افزایش یافته است، بسیاری از تحقیقات مربوطه، در زمینه روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای دچار کژفهمی هستند و گزارش کاملی از فرایندهای تحقیق نیز ارائه نداده‌اند.

مرور مطالعات تجربی در حوزه نظریه زمینه‌ای بیانگر آن است که این مطالعات با چالش‌های اساسی به‌ویژه در زمینه روش‌شناسی مواجه هستند و بسیاری از محققان درک صحیحی از این روش‌شناسی ندارند و در گزارش تحقیقات خود، اصول اصلی این روش را رعایت نکرده‌اند. در تحقیق حاضر سعی بر آن است همانند تحقیقات مذکور، تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در ایران با رویکردی انتقادی بررسی شود، با این تفاوت که با نگاهی جامع، ویژگی‌های عینی و ملموس نظریه‌زمینه‌ای به تفکیک مراحل و عناصر مورد بررسی قرار گیرد و همچنین به‌جای بررسی یک موضوع مشترک، تحقیقات انجام‌شده در دو حوزه متفاوت یعنی حوزه جامعه‌شناسی و مدیریت مورد ارزیابی و مقایسه قرار گیرند.

چارچوب مفهومی

نظریه زمینه‌ای استراوس و کوربین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌شناسی‌های رویکرد کیفی از بنیان‌های نظری، ویژگی‌های قابل توجه و مفروضات خاصی برخوردار است که سبب تمایز، اهمیت و کاربرد گسترده آن در رشته‌های مختلف علمی شده است. شناخت ویژگی‌ها، مبانی پارادایمی، بنیان‌های نظری و مفروضات این شکل از نظریه زمینه‌ای برای کاربرد عملی این روش به شکل صحیح، ضروری است.

الف) مبانی پارادایمی نظریه زمینه‌ای

نظریه زمینه‌ای از نظر پارادایمی و نظری در پارادایم برساختی تفسیری قرار می‌گیرد (Fassinger, 2005: 157). این پارادایم به لحاظ هستی‌شناسی معتقد است که واقعیت

اجتماعی مادی و قابل مشاهده نیست و اشیاء معنای ذاتی ندارند، بلکه مشاهده‌گر این معنا را بر آن‌ها تحمیل می‌کند؛ به عبارت دیگر، به لحاظ هستی‌شناسی این رویکرد معتقد است که انسان‌ها موجوداتی خلاق، مبتکر و معناساز هستند که به جهان اجتماعی خود معنا و نظم می‌بخشند؛ این معانی همواره در بستر روابط عادی و متعارف روزمره ساخته شده و به تناسب موقعیت‌ها و بسترهای خاص مورد بازاندیشی و بازتعریف قرار می‌گیرند. پارادایم مذکور نسبت به واقعیت اجتماعی بر این فرض استوار است که انسان‌ها آگاهانه اقدام به کنش می‌کنند و کنش آن‌ها دارای معنا می‌باشد و باورداشت‌ها و نظام‌های معنایی که مردم خلق کرده و به کار می‌گیرند، درک آنان را از واقعیت می‌سازد. این درک با استفاده از مکانیسم زبان تشریح و منتقل می‌شود (Mohammadpour, 2011: 32-37; Blaikie, 2011: 319).

به لحاظ معرفت‌شناسی در این پارادایم، دانش عامه^۱ یا عقل سلیم و قوانین اثباتی شیوه‌های جایگزین و هم‌تراز برای تفسیر جهان اجتماعی تلقی می‌شوند. در پارادایم تفسیری از آنجاکه انسان محور اصلی و منبع تولید همه اشکال دانش است، دانش چیزی جز اشکال منظم شده و باز تفسیر شده دانش عامه نیست. بر همین اساس تبیین‌های تفسیری از نوع تبیین‌های استقرایی- ایدوگرافیک^۲ (اندیشه‌نگرانه) هستند. این نوع تبیین به لحاظ لغوی یعنی توصیف خاص از یک پدیده اطلاق می‌شود و در اصطلاح به تبیین یک جنبه خاص از جهان اجتماعی با استفاده از جزئیات زیاد یا توصیف یک مجموعه یا فرآیند از روابط اجتماعی (Neuman, 2006: 43-44; Mohammadpour, 2011: 319).

در نظریه زمینه‌ای جهت‌دستیابی به معرفت در مورد واقعیت اجتماعی^۳ از استراتژی استفاده می‌شود. این استراتژی برای پرسش‌های چرایی مناسب است و هدف آن، درک و تشریح کنش اجتماعی معنادار و تبیین تفسیری^۵ است که آن نیز مستلزم فهم تعبیری است که کنشگران از دلایل و انگیزه‌های کنش دارند؛ بنابراین استراتژی استفاده می‌کوشد از طریق زبان روزانه دانش و معرفتی را کشف کند که کنشگران اجتماعی در تولید و بازتولید و تفسیر پدیده مورد پژوهش به کار می‌برند. سپس با توجه به ذهنیت و

1. Common Sense
2. Inductive- Ideographic Explanation
3. Social Fact
4. Interpretive Strategy
5. Interpretive Explanation

دانش تخصصی و ایده‌های ذهنی خود به تفسیر تفسیرهای کنشگران بپردازد (تفسیر مضاعف)؛ یعنی این تعبیر روزمره را به زبان فنی (با تعبیری تخصصی جامعه‌شناختی) بازتوصیف کند (Neuman, 2006: 88-89; Blaikie, 2011: 135-160).

ب) ارکان نظریه زمینه‌ای

نظریه زمینه‌ای دارای سه رکن اصلی است که عبارت‌اند از: مفاهیم^۱، مقولات^۲ و قضیه‌ها^۳. مفاهیم واحدهای بنیادی تحلیل هستند، زیرا نظریه از طریق مفهوم‌سازی داده‌ها شکل می‌گیرند، نه از طریق داده‌های عینی. مفاهیم، بازنمایی انتزاعی یک رویداد، شیء و یا عمل/تعامل است که پژوهشگر حضور آن را در داده‌ها مهم یافته و به آن‌ها عنوان یا برجستگی زده است. مقوله‌ها نیز عبارت‌اند از مفاهیم انتزاعی که چندین مفهوم که در یک رده هستند را دربرمی‌گیرند؛ بنابراین مقوله‌ها نسبت به آنچه مفاهیم نشان می‌دهند تجریدی‌تر و در سطح بالاتری قرار دارند. مقوله‌ها شالوده‌های تدوین نظریه هستند. آن‌ها ابزاری را فراهم می‌کنند که بدان وسیله نظریه می‌تواند انسجام پیدا کند. قضیه‌ها نیز گزاره‌هایی هستند که بیان‌گر روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم مرتبط با آن و همچنین روابط تعمیم‌یافته بین مقوله‌های مجزا می‌باشند (Strauss & Corbin, 2012: 125-156; Pandit, 1196).

ج) فرض‌های بنیادی نظریه زمینه‌ای

فرض‌های بنیادی نظریه زمینه‌ای عبارت‌اند از:

- انسان‌ها عامل‌های هدفمندی هستند که نقش فعالی در تفسیر کردن و پاسخ دادن به موقعیت‌های پروبلماتیک ایفا می‌کنند، آن‌ها واکنش صرف به تجربه‌ها و محرک‌ها نشان نمی‌دهند.
- افراد بر اساس معنا دست به کنش می‌زنند و این معنا از طریق تعامل تعریف می‌شود.
- واقعیت اجتماعی در بین افراد مورد مباحثه قرار می‌گیرد؛ یعنی، از نظر اجتماعی ساخته می‌شود و پیوسته در حال تغییر و ظهور است.

1. Concepts
2. Category
3. propositions

- نظریه به صورت‌بندی صرف برخی ابعاد کشف‌شده یک واقعیت که «پیش‌تر خارج از ما» وجود دارد اطلاق نمی‌شود، بلکه نظریه‌ها به تفسیرهای مشروط و خطاپذیری اشاره دارند که به زمان ریشه‌یافته در تاریخ محدود بوده و پیوسته به تعدیل نیاز دارند.
- امر محوری در فهم ماهیت در حال تغییر رویدادها، عبارت است از آگاهی از روابط متقابل میان علل، شرایط و پیامدها.
- کاربرد سیستماتیک تکنیک‌های تحلیلی نظریه زمینه‌ای باید موجب انتزاعی‌تر شدن سطوح تحلیلی شود.
- گردآوری داده و تحلیل آن باید به‌طور هم‌زمان انجام شود.
- فرآیند و نتایج تحقیق باید از خود داده‌ها شکل یابند تا از چارچوب نظری قیاسی (Eaves, 2001: 656; Mohammadpour, 2011: 317).

د) ویژگی‌های کلی نظریه زمینه‌ای

ویژگی مهم نظریه زمینه‌ای آن است که از استدلال استقرایی^۱ برای ورود به سطح خرد واقعیت، استدلال قیاسی^۲ برای ساخت الگوی نظری عام و از استدلال استفهامی برای درک موضع امیک^۳ کنشگران اجتماعی استفاده می‌کند. استدلال استفهامی، استدلال خاص رویکردهای تفسیری-برساختی است که ورود به دنیای ذهنی و معنایی کنشگران را بنیان اصلی تبیین قرار داده و کار محقق را تأویل مضاعف^۴ یا تفسیر تفسیرها^۵ می‌داند. در این راستا، محقق تلاش می‌کند فرآیندهای مسلط را در بستر اجتماعی از نگاه سوژه‌ها کشف کرده و تحقیق خود را به توضیح محض داده‌ها و واحدهای موردبررسی محدود نسازد. داده‌های گردآوری‌شده در این فرآیند از زوایای مختلف با یکدیگر و با دیگر داده‌های مشابه مقایسه می‌شوند (Mohammadpour, 2011: 316).

از دیگر ویژگی‌های مهم نظریه زمینه‌ای، الگوی مارپیچی یا غیرخطی بودن آن است. به این معنا که همه مراحل استدلال با هم ارتباط متقابل دارند و در هر مرحله از تحقیق می‌توان به مرحله قبلی برگشت؛ بنابراین فرآیند نظریه زمینه‌ای خطی نیست و محقق زمینه‌ای در اواخر کار تحقیق برای درک عمیق‌تر مجدداً به میدان تحقیق بازگردد

1. Inductive
2. deductive
3. abductive
4. Double Heremenutic
5. Interpretation of Interpretations

(Charmaz, 2006: 10). تحقیقات نظریه زمینه‌ای به لحاظ سبک و فرم نیز ویژگی‌های متمایزی دارد که این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: تأکید بر فرآیند، خط سیر تحقیق و نتیجه‌گیری؛ استفاده از بسترهای کنش و تغییر؛ وجود مقوله هسته که مراحل نظریه زمینه‌ای را به هم دیگر ربط می‌دهد (Morse, 2001: 2)؛ درگیری هم‌زمان مرحله گردآوری و تحلیل داده؛ ساخت گداهای تحلیلی و مقوله‌ها از داده‌ها، نه از فرضیه‌های قیاسی منطقی؛ استفاده از روش‌های مقایسه‌ای مداوم؛ یادداشت‌برداری به‌منظور شکل‌گیری مقولات، تعریف رابطه بین مقوله‌ها و شکاف تعریفی؛ نمونه‌گیری به‌منظور ساخت نظریه نه به‌منظور بازنمایی جامعه آماری (Charmaz, 2006: 6).

ه) ویژگی‌های نظریه زمینه‌ای به تفکیک عناصر و مراحل

نظریه زمینه‌ای علاوه بر ویژگی‌های کلی، مراحل و عناصر آن نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند که به تفکیک مراحل به آن‌ها اشاره می‌شود.

مسئله‌یابی

کاربرد نظریه زمینه‌ای برای تبیین یک مسئله هنگامی جایز است که در آن زمینه، نظریه‌ای وجود نداشته باشد. یا تمام مفهوم‌های مرتبط به یک پدیده، در جمعیت و محل مورد بررسی، هنوز شناسایی نشده‌اند؛ یا اگر هم شده‌اند، روابط میان پدیده‌ها درک نشده یا بسط نیافته‌اند؛ یا شاید این فرض وجود دارد که تاکنون پرسش پژوهش دقیقاً به این شکل مطرح نشده است (Strauss & Corbin, 2012: 62).

طرح مسئله

در تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای با توجه به آن‌که محقق معتقد است که واقعیت اجتماعی یک برساخته اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی محصول کنش‌های معنادار اجتماعی هستند، مسئله تحقیق با توجه به دو صورت بازسازی معنایی^۱ و درک تجربه^۲ مطرح می‌شود (Strauss & Corbin, 2012: 60-62).

۱. معانی ذهنی کارگران از اعتصاب چیست؟

۲. افراد روستای هورامان چه تجربه‌ای از پیامدهای نوسازی دارند؟

پرسش‌های پژوهش

در نظریه زمینه‌ای پرسش پژوهش باید به شیوه‌ای تدوین شود که کلی باشد و انعطاف و آزادی لازم را برای شناخت عمیق پدیده‌ها فراهم آورد. اگرچه پرسش اولیه کلی باقی می‌ماند، اما به تدریج در جریان پژوهش با کشف مفهوم‌ها و روابطشان با یکدیگر محدودتر و متمرکزتر می‌شود؛ بنابراین، پرسش پژوهش به صورت باز و گسترده مطرح می‌شود (Strauss & Corbin, 2012: 62). پرسش‌های پژوهش را می‌توان به سه دسته «چیستی، چرایی و چگونگی» تقسیم نمود (Blaikie, 2011: 140) که در نظریه زمینه‌ای می‌توان هر سه نوع پرسش را مطرح نمود.

جایگاه نظریه و مفاهیم در نظریه زمینه‌ای

در تحقیقات نظریه زمینه‌ای به دلیل آن که هدف آن نظریه‌سازی^۱ است نه نظریه‌آزمایی^۲، محقق از آیتمی به عنوان «چارچوب نظری»^۳ استفاده نمی‌کند، زیرا وجود آیتمی در تحقیق با عنوان چارچوب نظری به معنای آن است که محقق بایستی بر اساس یک نظریه خاص یا تلفیقی از چند نظریه و ارائه فرضیه‌هایی مبتنی بر آن تحقیق خود را به پیش برد و تحقیق ابزاری برای تأیید یا رد نظریه و فرضیه‌های موردنظر می‌باشد (نظریه‌آزمایی)، در حالی که محقق نظریه‌زمینه‌ای درصدد است با توجه به داده‌هایی که در میدان تحقیق به دست می‌آورد و به کمک فنون تحلیل، یک نظریه موقتی و مناسب که از ویژگی‌های انتزاع نیز برخوردار است، برای پاسخ به مسأله خود ارائه دهد (نظریه‌سازی). البته در نظریه زمینه‌ای به جای چارچوب نظری، از «چارچوب مفهومی»^۴ یا «ادبیات فنی یا نظری»^۵ استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی عبارت است از تبیین، ارتباط منطقی و اتصال مفاهیم اساسی، ایده‌ها و عناصری که قرار است مورد مطالعه قرار گیرند. به علاوه، مطالعات پیشین و تجربه‌های شخصی محقق نیز در تدوین چارچوب مفهومی اهمیت کلیدی دارند (Mohammadpour, 2014: 64). «ادبیات فنی» نیز به گزارش‌های مطالعات پژوهشی و مقاله‌های نظری و فلسفی مرتبط اطلاق می‌شود که یافته‌های پژوهش را می‌توان با آن مقابله کرد. از این ادبیات می‌توان در زمینه‌های تقویت حساسیت، انجام مقایسه داده‌ها در

-
1. Theory Building
 2. Theory Testing
 3. Theoretical Framwork
 4. Conceptual Framwork
 5. Technical Literature

سطح ابعاد، تنظیم سؤالات نخستین در مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها، برانگیختن سؤال طی فرایند تحلیل، پیشنهاد کردن عرصه‌های نمونه‌گیری نظری، تأیید یا رد یافته‌های استفاده کرد (Strauss & Corbin, 2012: 71-73).

بنابراین «رجوع به ادبیات فنی یا نظری» نیز با هدف شناخت و بهره‌گیری از نظریه‌ها در راستای تدوین و تولید نظریه‌های منسجم و انتزاعی است نه نظریه آزمایی؛ به عبارت دیگر، در پژوهش کیفی از ادبیات فنی یا نظری موضوع به مثابه یک چارچوب نظری که راهنمای پژوهش باشد و فرضیه‌های پژوهش را جهت آزمون از آن استخراج کرد، استفاده نمی‌شود، بلکه در این نوع پژوهش از ادبیات نظری به منزله دانش زمینه‌ای استفاده می‌شود تا بتوان در بستر این ادبیات به مشاهدات و گزاره‌های پژوهش نظر کرد. این که محقق نظریه زمینه‌ای به هنگام گردآوری داده به ادبیات فنی تحقیق مراجعه نکنند کژفهمی آشکاری است. این کژفهمی در نظریه زمینه‌ای نتایج زیان‌باری را به دنبال خواهد داشت، زیرا فهم نقش ادبیات نظری تحقیق در روش نظریه زمینه‌ای برای تولید نظریه‌های مناسب و انتزاعی، اساسی است (Urquhart, Fernandez, 2013: 226).

سؤالات جزئی تحقیق

با توجه به آنچه ذکر گردید، یکی از کاربردهای اصلی چارچوب مفهومی و رجوع به ادبیات فنی یا نظری تحقیق تدوین سؤالات جزئی و بهره‌گیری از آن‌ها در راستای گردآوری داده‌های تحقیق است (Strauss & Corbin, 2012: 71-73)؛ به عبارت دیگر، بر مبنای چارچوب مفهومی و ادبیات نظری، سؤالات بنیادین مصاحبه تدوین و داده‌های اولیه گردآوری می‌شود. لازم به ذکر است با توجه به آن که در تحقیقات نظریه زمینه‌ای هدف نظریه‌سازی است نه نظریه‌آزمایی، فرضیه در این گونه تحقیقات جایگاهی ندارد. همچنین سؤالات تحقیق باید متمرکز بر فهم این نکته باشند که افراد فرایند مورد مطالعه را چگونه تجربه کرده و مراحل این فرایند را چگونه شناسایی می‌کنند.

جمعیت مورد مطالعه

با توجه به آن که در تحقیقات نظریه زمینه‌ای محقق درصدد بازسازی معنای کنش کنشگران یا درک و تجربه کنشگران از پدیده‌ها، رویدادها و واقعیت‌های اجتماعی است، جمعیت مورد مطالعه را مشارکت‌کنندگانی تشکیل می‌دهند که پدیده مورد نظر را تجربه

کرده باشند (Iman, , Strauss & Corbin, 2012: 60-62; Neuman, 2006: 89-88; 2013: 73-75).

داده‌های تحقیق: با توجه به آن‌که در نظریه زمینه‌ای هدف کشف معنای ذهنی و تجربه زیسته کنشگران است، بهترین داده مورد استفاده در این تحقیق در وهله اول، داده‌های متنی است که از طریق مصاحبه با کنشگرانی که در این زمینه تجربه زیسته دارند، به دست آمده باشد و در وهله دوم داده‌های مشاهده‌ای است (Morse, 2001: 6). علاوه بر داده‌های مذکور می‌توان از ادبیات غیرفنی^۱ که عبارت است از بیوگرافی‌ها، یادداشت‌های روزانه، اسناد، خاطرات، دست‌نوشته‌ها، بایگانی‌ها، گزارش‌ها و کاتالوگ‌ها و دیگر موادی که می‌توان از آن‌ها برای تکمیل مصاحبه‌ها و مشاهده‌های میدانی استفاده کرد یا ذهن خود را برای شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد مفهوم‌های برآمده از داده‌های گردآوری شده خودمان تحریک کرد، استفاده نمود (Strauss & Corbin, 2012: 73-78).

نمونه‌گیری

در نظریه زمینه‌ای محقق از نمونه‌گیری هدفمند^۲ و نمونه‌گیری نظری^۳ استفاده می‌کند (Strauss & Corbin, 2012: 22, 89). یکی از فرض‌های اصلی پارادایم برساختی-تفسیری^۴ آن است که تجربه و درک یک واقعیت اجتماعی فراگیر نیست، بلکه جزئی است؛ یعنی ممکن است فقط گروه خاصی از اعضای جامعه چنین واقعیتی یا پدیده‌ای را درک و تجربه کرده باشند یا فقط گروه‌های خاصی به یک کنش خاص اقدام کرده باشند؛ بنابراین محقق برای بازسازی معنایی کنش‌های کنشگران یا درک و تجربه یک پدیده اجتماعی نمی‌تواند به هر یک از اعضای جامعه مراجعه کند، زیرا ممکن است آن کنشگر اصلاً به چنین کنشی اقدام نکرده باشد؛ بنابراین باید آگاهانه و هدفمند فقط به سراغ افرادی از جامعه برود که چنین پدیده‌ای را تجربه یا به چنین کنشی اقدام کرده باشند. لذا روش نمونه‌گیری در پارادایم تفسیری-برساختی (با تأکید بر تحقیقات نظریه زمینه‌ای) هدفمند است و با همین عنوان یعنی «نمونه‌گیری هدفمند» مطرح است؛ بنابراین در

1. Non- Technical Literature
2. Purposive Sampling
3. Theoretical Sampling
4. Constructivism

تصمیم‌گیری‌های مربوط به نمونه‌گیری در روش کیفی مهم‌ترین اصلی که در نظر گرفته می‌شود، انتخاب محیط‌ها، زمان‌ها و افرادی است که بتوانند اطلاعات موردنیاز را برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش را فراهم کنند (Marshall & Rasman, 1998). یکی دیگر از روش‌های نمونه‌گیری در نظریه زمینه‌ای نمونه‌گیری نظری^۱ است. این روش عبارت است از فرایندی که در آن محقق با پیروی از این تصمیم که در مرحله بعدی کدام داده لازم است گردآوری شود، داده‌ها را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند تا به تدریج نظریه‌اش پدید آید (Turner, 2014: 33)؛ یعنی نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده از افراد، ادبیات تخصصی و نظری، اسناد و مکان به‌منظور تولید نظریه (Birks & Mills, 2011: 70)؛ بنابراین در نمونه‌گیری نظری وقایع و رخدادها نمونه‌گیری می‌شوند نه افراد را به‌صرف بودنشان (Strauss & Corbin, 2012: 220). لازم به ذکر است نمونه‌گیری نظری با توجه به مراحل کدگذاری، اشکال مختلفی می‌یابد که عبارت‌اند از: نمونه‌گیری باز، نمونه‌گیری ارتباطی و نمونه‌گیری افتراقی (Strauss & Corbin, 2012: 224-230).

معیار تعیین حجم نمونه

برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع نظری^۲ استفاده می‌شود. اشباع نظری به این معنی است که در فرایند گردآوری داده، محقق با داده‌های تکراری مواجه شده و به داده‌های جدیدی که ویژگی‌های مقوله را توسعه دهند، دست نمی‌یابد. این امر موجب اطمینان محقق از گردآوری داده‌های لازم برای تحلیل موضوع موردنظر و اطمینان از فقدان داده جدید (اشباع) می‌شود (Strauss, & Corbin, 2012: 230; Glaser, & Strauss, 1967: 61).

تکنیک گردآوری داده‌ها

در نظریه زمینه‌ای برای گردآوری داده، تکنیک ویژه‌ای که ادعا شود خاص نظریه زمینه‌ای است، وجود ندارد. لذا هنگام گردآوری داده می‌توان از تکنیک‌های مختلفی مانند مصاحبه (با هدف پرسش مستقیم از مردم درباره تجربیات، عقاید، احساسات و دانششان)، مشاهده (با هدف توصیف جزئی فعالیت‌ها و کنش‌ها، رفتارها و تعاملات مردم) و اسناد نوشتاری (با

1. Theoretical Sampling

2. Theoretical saturation

هدف توصیف مردم درباره تجربه‌ها، تفکرات و احساساتشان) استفاده کرد (Strauss, & Corbin, 2012: 107, 223; Rintala, Paarilainen & Asted, 2014; 14). البته بسیاری از محققان به دلیل آن‌که هدف نظریه زمینه‌ای بازسازی معنای کنش کنشگران یا درک و تجربه کنشگران از پدیده‌های اجتماعی است، از تکنیک مصاحبه به‌عنوان اولین روش گردآوری داده استفاده می‌کنند (Fassingern, 2005: 158).

تحلیل داده‌ها

در نظریه زمینه‌ای تحلیل داده‌ها در سه مرحله کُدگذاری باز^۱، کُدگذاری محوری^۲ و کُدگذاری گزینشی^۳ انجام می‌گردد.

۱. کُدگذاری باز

کُدگذاری باز فرآیندی تحلیلی است که با آن مفاهیم و مقوله‌ها همراه با ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها شناسایی می‌شوند. در جریان کُدگذاری باز داده‌ها به واحدهای معنایی کوچک‌تر تجزیه می‌شوند، از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه و بررسی می‌شوند، برچسب می‌خورند می‌شوند و در قالب مفهوم و مقوله درمی‌آیند (Strauss & Corbin, 2012: 62; Fassingern, 2005: 160). برای ساخت مقوله‌ها می‌توان از دو تکنیک؛ پرسش^۴ (طرح پرسش در راستای مفاهیم به‌دست‌آمده) و مقایسه^۵ (مقایسه مفاهیم به‌دست‌آمده از مرحله قبل به لحاظ شباهت و تفاوت باهم دیگر و طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در یک طبقه یا مقوله) بهره گرفت؛ بنابراین در مرحله ساخت یا تولید مقوله لازم است که محقق به‌طور دائم در داده‌های خود غوطه‌ور شود و مدام از تکنیک‌های پرسیدن و مقایسه کردن استفاده کند. برای تشخیص ابعاد مقوله‌ها نیز می‌توان از مجموعه سؤالات «چه چیز، چه کسی، چگونه، کی، کجا، چقدر، چرا، به چه وسیله‌ای» یا از روش‌های تکنیک وارونه‌سازی^۶، مقایسه منظم دو یا چند پدیده^۷ و تکنیک تکان دادن پرچم قرمز^۸ استفاده

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding
 4. Question Technic
 5. Comparision Technic
 6. Flip-flop technique
 7. Systematic Comparision
 8. Waving the Red Flog

کرد (Strauss & Corbin, 2012: 116; Flick, 2009; 334). در انتخاب عناوین مقوله‌ها نیز بایستی از گداهای جنینی، ایده‌هایی که هنگام تحلیل به ذهنش می‌رسد، سایر پژوهش‌ها یا از خود مفاهیم استفاده کرد (Strauss & Corbin, 2012: 138).

۲. گدگذاری محوری

در گدگذاری محوری هدف ترکیب یا اتحاد مجدد داده‌ها با ساخت روابط بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها و کشف ابعاد و ویژگی‌های مقوله‌هاست (Rintala, Paarilainen & Asted, 2014; 14). به عبارت دیگر، در این مرحله محقق به بررسی روابط مقوله‌های به دست آمده در مرحله گدگذاری باز می‌پردازد. برای ارائه گدگذاری محوری، از مدل یا منطق پارادایمی^۱ استفاده می‌شود. در مدل پارادایمی، پدیده مرکزی درباره پدیده شناسایی می‌شود، شرایط علی کشف می‌شوند (مقوله‌هایی از شرایط که بر پدیده تأثیر می‌گذارند)؛ استراتژی‌ها تعیین می‌شوند (کنش‌ها و واکنش‌هایی که از پدیده مرکزی منتج می‌شود)؛ و در نهایت شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر (شرایط جزئی و گسترده که بر استراتژی‌ها تأثیر می‌گذارد) شناسایی می‌شوند (Strauss & Corbin, 2012: 116; Fassinger, 2005; 160; Mohammadpour, 2011: 329).

در مرحله بعد محقق می‌تواند به ترسیم «ماتریس شرطی» بپردازد. ماتریس شرطی ابزاری برای تحلیل و گدگذاری است که فکر را در خصوص روابط میان شرایط/ پیامدهای کلان و خرد با یکدیگر و با فرایند برمی‌انگیزاند (Strauss & Corbin, 2012: 201-202). ماتریس شرطی یک دیاگرام است که برای در نظر گرفتن «گستره وسیعی از شرایط و پیامدهای مرتبط به پدیده تحت مطالعه»، سودمند می‌باشد. این ماتریس محقق را قادر می‌سازد تا سطوح مختلف شرایط و پیامدها را شناسایی و به هم پیوند دهد و از این طریق می‌تواند در آن ماهیت دارای روابط متقابل وقایع را بیازماید. در این ماتریس تأثیر شرایط اجتماعی، تاریخی و اقتصادی بر پدیده مرکزی روشن می‌شود. البته این مرحله تا حدودی اختیاری است و محقق می‌تواند در سطح کوچک یا وسیع اقدام به طراحی این مدل کند (Dnaiyfar, Alvani, & Azar, 2014: 102). این نمودار به گونه‌ای طراحی شده است که در هر سطح، پیامدهایی اتفاق می‌افتد و این پیامدها، شرایط لازم برای کنش یا برهم‌کنش

1. Paradigm Model
2. Conditinal Matrix

بعدی را فراهم می‌کند. آنچه حائز اهمیت است عبارت است از این‌که هر سطح به سطح بالایی و پایینی متصل شود.

۳. گدگذاری گزینشی

در این مرحله یک مقوله به‌عنوان مقوله هسته انتخاب می‌شود. این مقوله یک پدیده مرکزی است که تمام مقولات دیگر را منسجم می‌سازد و در یک شرح کلی و فراگیر آن‌ها را به یکدیگر ربط می‌دهد. برای تعیین مقوله هسته می‌توان از تکنیک‌های استفاده از نمودار، دسته‌بندی یادداشت‌ها با دست یا برنامه کامپیوتری و نوشتن خط سیر داستان بهره گرفت. بعد از انتخاب نمودن «مقوله هسته» تحلیل‌گر باید عنوانی انتزاعی برای آن انتخاب نماید که هم جامعیت داشته باشد (یعنی بیانگر همه داستان باشد) و هم مناسب داستانی باشد که بیانش می‌کند. در این فرایند، مقولاتی که نیازمند اصلاح و بسط آتی هستند نیز تکمیل می‌شوند. در این مرحله با توجه به مقوله هسته و ارتباط سایر مقوله‌ها با آن، مجدداً مدل پارادایمی بازنگری و اصلاح می‌شود و قضایا و پیش‌بینی‌هایی نیز ارائه می‌شوند. درنهایت مدل نهایی نظریه زمینه‌ای که درواقع از تلفیق و یکپارچگی مدل‌های قبل پدید آمده است، نمایش داده می‌شود و شرایط علی، زمینه‌ای مداخله‌گر، راهبردهای عمل/ تعامل و پیامدهای مرتبط با آن مشخص می‌شوند. سپس محقق طرح کلی نظریه اصلی (طرح نظری) خود را شرح داده و با توجه به داده‌ها آن را پالایش می‌کند (Strauss, & Corbin, 2012: 165-170; Fassinger, 2005; 161; Birks & Mills, 2011: 100; Rintala, 2014; 14; Paarilainen & Asted, 2014). لازم به ذکر است در نظریه زمینه‌ای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور آگاهانه، هم‌زمان انجام می‌شود (Strauss & Corbin, 2012: 34; Charmaz, 2006; 6).

تولید نظریه

در این مرحله محقق با توجه به هدف اصلی تحقیق که تولید نظریه است، نظریه نهایی خود را ارائه می‌کند. نظریه زمینه‌ای به‌دست‌آمده باید از ویژگی‌های انتزاعی بودن، تناسب نزدیک با داده‌ها، تراکم یا پشتوانه مفهومی، پایایی در طول زمان، انعطاف‌پذیری، قدرت تبیین، تعمیم‌پذیری و قابلیت ادراک برخوردار باشد (Strauss & Corbin, 2012: 34; Charmaz, 2006; 6; Azkia. & Imani Jajarmi, 2012: 40).

اعتباریابی

اعتباریابی^۱ عبارت است از اطمینان یافتن محقق از این موضوع که نظریه نهایی اش از داده‌ها استخراج شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۸۰)؛ به عبارت دیگر، اعتباریابی عبارت است از جستجوی سرنخ‌هایی در داده‌ها که نشان‌دهنده رابطه مقوله‌های عمده با یکدیگر باشند. در این مرحله محقق با داشتن سؤالاتی که مقولات را به همدیگر مرتبط می‌سازد، به داده‌ها روی می‌آورد و به جستجوی شواهد و وقایع برای تأیید یا تکذیب نظریه نهایی می‌پردازد و می‌خواهد اطمینان یابد که آیا نظریه نهایی، از داده‌ها استخراج شده است یا خیر. برای تعیین اعتبار طرح نظری می‌توان از روش‌های «مقایسه نظریه نهایی با داده‌های خام یا بازگو کردن نظریه برای افراد مشارکت‌کننده و بررسی انطباق آن با اظهارات خودشان» بهره گرفت (Strauss & Corbin, 2012: 110, 148, 180, 181).

مقایسه با ادبیات موجود

در این مرحله پژوهشگر نظریه زمینه‌ای به دست آمده را با نظریه‌های موجود درباره موضوع مورد بررسی مورد مقایسه قرار می‌دهد تا به تفاوت‌ها و تشابهات آن‌ها پی ببرد. همچنین برای تأیید یا رد یافته‌های سایر پژوهش‌ها، می‌تواند از ادبیات موجود بهره گیرد (Strauss & Corbin, 2012: 73).

وظایف پژوهشگر نظریه زمینه‌ای

پژوهشگر نظریه زمینه‌ای هنگام انجام پژوهش دو وظیفه‌ای بسیار مهم برعهده دارد که عبارت‌اند از: حفظ موضع عینی و داشتن حساسیت نظری^۲. در پژوهش کیفی «عینیت^۳» به معنای کنترل متغیرها نیست، بلکه به معنای آمادگی برای گوش دادن و اجازه سخن دادن به پاسخ‌گویان است. منظور آن است که آنچه را دیگران برای گفتن دارند، بشنویم و آنچه را می‌کنند، ببینیم و همه را تا آنجا که ممکن است به دقت به دیگران بازنماییم. این بدان معناست که فهمی از آنچه شنیده یا دیده یا خوانده‌ایم، به دست دهیم. «حساسیت نظری» نیز عبارت است از توانایی پژوهشگر که او را قادر می‌کند به تغییرات و نکات ظریف در داده‌ها واکنش نشان دهد، یعنی این‌که نسبت به مفهوم یا داده آن قدر حساس باشد و در

1. Credibility
2. Theoretical Sensitivity
3. Objective

مورد آن مفهوم داده گردآوری کند و سؤال مطرح کند که معنای مبهم اولیه آن به تدریج روشن‌تر شود (Strauss & Corbin, 2012: 65-68). در واقع حساسیت نظری توانایی تشخیص موارد ارزشمند در داده‌ها و معنابخشی به آنهاست (Hitchcock & Hughes, 1995: 298).

سؤالات جزئی تحقیق

در این تحقیق سعی بر آن است که در بررسی تحقیقات مرتبط با نظریه‌زمینه‌ای بیشتر موارد عینی و ملموس مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، زیرا بررسی موارد انتزاعی و ذهنی نه تنها نیازمند بررسی موشکافانه، بحث و نظر و تعامل با نویسندگان است، بلکه دربرگیرنده نظر و سلیقه شخصی نویسندگان تحقیق حاضر نیز خواهد بود و همین امر اعتبار تحقیق را ممکن است زیر سؤال ببرد. به همین دلیل در این تحقیق موارد انتزاعی مانند «انتزاعی بودن مقوله هسته، چگونگی ارتباط مقوله هسته با سایر مقوله‌ها، مناسب بودن چارچوب مفهومی، کیفیت و معنادار بودن عنوان مقوله‌ها، محتوای نظریه‌ها به دست آمده و فرایند دستیابی به نظریه» مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفتند. بر این اساس سؤالات جزئی تحقیق تدوین شدند که عبارت‌اند از:

- آیا مسأله تحقیق به صورت بازسازی معنایی یا درک تجربه مطرح شده است؟
- آیا از چارچوب مفهومی یا ادبیات فنی بهره گرفته شده است؟
- آیا به سؤالات جزئی و چگونگی تدوین آنها اشاره شده است؟
- جمعیت مورد مطالعه شامل چه کسانی است؟
- از کدام روش‌های نمونه‌گیری بهره گرفته شده است؟ و آیا روش نمونه‌گیری نظری به اندازه کافی تشریح شده‌اند؟
- در تعیین حجم نمونه از کدام معیار بهره گرفته شده است؟
- در گردآوری داده‌ها از کدام تکنیک‌ها بهره گرفته شده است؟
- به مراحل تحلیل داده‌ها در تحقیق اشاره شده است؟ آیا این مراحل در بخش یافته‌ها شرح داده شده‌اند؟
- برای ساخت مقوله‌ها از کدام تکنیک‌ها (پرسش و مقایسه) استفاده شده است؟
- برای تشخیص ابعاد مقوله‌ها از کدام تکنیک‌ها استفاده شده است؟
- در انتخاب عناوین مقوله‌ها از چه روش‌هایی (کدهای جنینی، ایده‌هایی که هنگام تحلیل به ذهنش می‌رسد، سایر پژوهش‌ها یا از خود مفاهیم) بهره گرفته شده است؟

- در کدگذاری محوری از مدل پارادایمی به درستی بهره گرفته شده است؟
- آیا در مرحله کدگذاری گزینشی به تعیین مقوله هسته و تکنیک‌های تعیین آن اشاره شده است؟
- آیا نظریه زمینه‌ای به دست آمده اعتباریابی شده است؟ در صورت انجام، از کدام روش‌ها بهره گرفته شده است؟
- آیا نظریه زمینه‌ای به دست آمده با نظریه‌های موجود درباره موضوع مورد بررسی مورد مقایسه قرار گرفته است؟
- آیا در تحقیق حساسیت نظری و چگونگی آن شرح داده شده است؟
- آیا تحقیقات مذکور منجر به تولید نظریه محدود به واقعیت خاص شده‌اند؟

روش تحقیق

در تحقیق حاضر جهت نقد و بررسی روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای در مطالعات داخلی از روش فراروش استفاده شده است که یکی از شاخه‌های فرامطالعه می‌باشد. فرامطالعه یک تجزیه و تحلیل عمیق از کارهای تحقیقاتی انجام شده در یک حوزه خاص است و فراروش، مرور بخش روش‌شناسی تحقیقات به صورت انتقادی است (Mohammadnejad, Shorkaiy, Jashniy Arani, & Yazdani, 2012: 147). این روش شامل تجزیه و تحلیل و ارزیابی نقادانه رویکرد، روش‌های نمونه‌گیری، روش نوشتن فرضیه‌ها، متغیرها، جامعه و نمونه و هر آنچه مربوط به بحث روش‌شناسی است، می‌باشد. جمعیت مورد مطالعه در این تحقیق، شامل مجموعه پژوهش‌های مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای است که در قالب مقاله در مجلات داخلی منتشر شده است. واحد تحلیل در تحقیق حاضر «پژوهش» است که شامل همه مقاله‌هایی است که بر اساس روش نظریه زمینه‌ای انجام شده‌اند. در این تحقیق جهت گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مرور نظام‌مند^۱ به مثابه تکنیک استفاده شده است. مرور نظام‌مند یک رویکرد علمی برای شناسایی، تحلیل و ترکیب شواهد مطالعات قبلی است. این روش می‌تواند برای خلاصه کردن مجموعه‌ی بزرگی از مطالعات استفاده شود و بینش‌های جدیدی را برای علوم اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی توسعه دهد (Mayer, 2009; Littell et al, 2008; Aveyard, 2011; 21). مرورهای نظام‌مند، به بررسی شواهد منتشر شده پیرامون موضوع مشخصی می‌پردازد و به روش نظام‌مند و علمی

سعی در نتیجه‌گیری از مجموع مطالعات مرتبط دارد (Haghani et al, 2014: 731). این تکنیک شامل مراحل زیر است:

الف) تعیین منابع

در این مرحله منابع مرتبط با نظریه زمینه‌ای با استفاده از تکنیک «جستجو بر اساس واژگان کلیدی» شناسایی شدند. به‌طوری‌که منابع با استفاده از واژه‌های کلیدی «نظریه زمینه‌ای، نظریه داده‌بنیاد، نظریه مبنایی، گراند تئوری» در سایت‌های ایران‌مگ، پرتال جامع علوم انسانی، نورمگز، Sid، و سایت‌های مجلات داخلی و خارجی علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، پزشکی، مدیریت و علوم سیاسی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ مورد جستجو و بررسی قرار گرفتند. در این مرحله، بیش از ۳۰۰ منبع به دست آمد. با توجه به حجم زیاد منابع، سعی گردید که منابع فقط به منابع حوزه‌های جامعه‌شناسی و مدیریت در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ محدود شوند. در نهایت در این مرحله ۴۵ مقاله تعیین شدند.

ب) گزینش منابع

در مرحله گزینش منابع به دلیل تمرکز نوشتار بر نقد و بررسی روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای استراوس و کوربین در مطالعات داخلی، مقالاتی که از این رویکرد بهره گرفته بودند و به‌صورت کامل همراه با مشخصات علمی نشر منتشر شده بودند، گزینش شدند. در نهایت در این مرحله ۳۶ مقاله انتخاب گردیدند.

ج) مرور انتقادی منابع

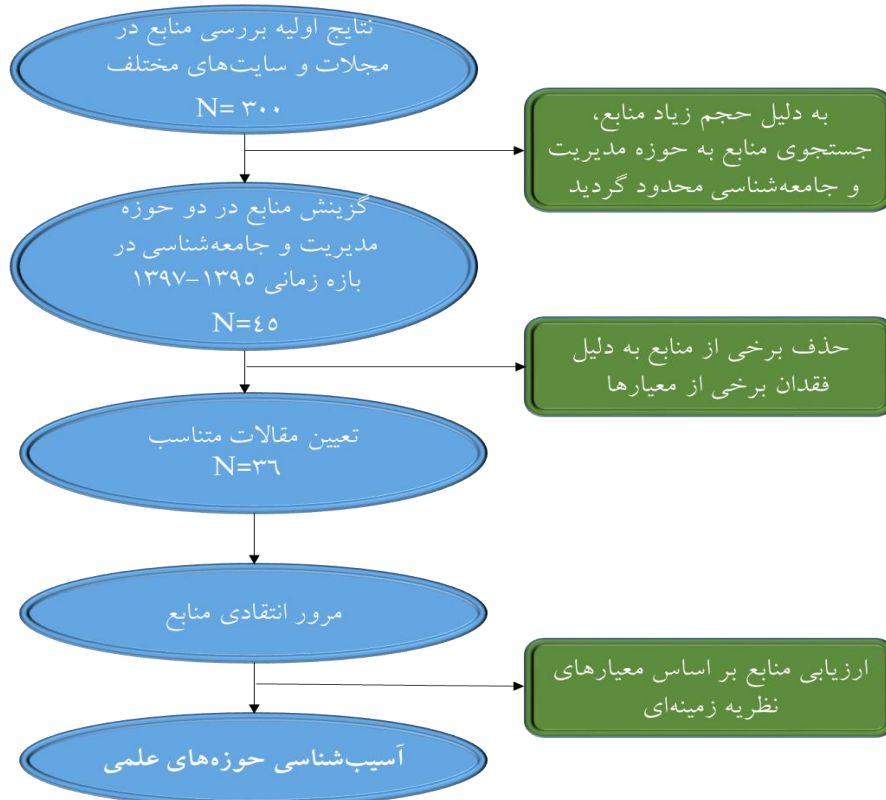
در این مرحله پژوهش‌های انتخاب‌شده بر اساس معیارهای صورت‌مسأله تحقیق، چارچوب مفهومی یا ادبیات فنی، سؤالات جزئی، جامعه مورد مطالعه، روش نمونه‌گیری، تعیین حجم نمونه، تکنیک گردآوری داده‌ها، مراحل تحلیل داده‌ها، تکنیک ساخت مقوله‌ها، تکنیک تشخیص ابعاد مقوله‌ها، روش نام‌گذاری مقوله‌ها، مدل پارادایمی، مقوله هسته و تولید نظریه زمینه‌ای، اعتباریابی، مقایسه با نظریه‌های موجود و حساسیت نظری موردنقد قرار گرفتند (Strauss, & Corbin, 2012; Hutichison & Johnston, 2011; Valvi, Frangos, & Frangos, 2013). سپس به نقایص و خلأهای موجود در این تحقیقات اشاره گردید.

ج) آسیب‌شناسی حوزه‌های علمی

در این مرحله حوزه‌های علمی، بر اساس نتایج مرور انتقادی بررسی شدند.

(د) بحث و نتیجه‌گیری

در این مرحله براساس نقد و بررسی تحقیقات انتخاب‌شده، به سؤالات اساسی این نوشتار در یک چارچوب منسجم پاسخ داده گردید.



شکل ۱: فرایند مرور انتقادی تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای

Figure 1: The process of critical review of research based on grounded theory

یافته‌های تحقیق

مشخصات آثار مطالعه شده

در این پژوهش ۳۶ مقاله در دو حوزه جامعه‌شناسی و مدیریت انتخاب شدند که به مشخصات آن‌ها در جدول ۱ اشاره شده است.

جدول ۱: فهرست و مشخصات آثار بررسی شده

Table 1: List and specifications of the reviewed works

ردیف	حوزه	مجله	عنوان	نویسندگان
1	جامعه‌شناسی	زن و جامعه	بازنمایی معنایی زندگی زناشویی در ازدواج‌های ناموفق	شکر بیگی، احمدی و ابراهیمی منش (1395)
2	جامعه‌شناسی	زن و جامعه	مدل مفهومی عوامل زمینه‌ساز خشونت زناشویی مردان علیه زنان از دیدگاه مردان	قاضی‌زاده، زهراکار، کیامنش و محسن‌زاده (1396)
3	جامعه‌شناسی	زن و جامعه	بازسازی معنایی مدیریت چهره در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت	قلی‌پور و حکیمی‌نیا (1396)
4	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی کاربردی	زمینه‌های اجتماعی حسادت در تعاملات روزمره؛ مطالعه کیفی دانشجویان دانشگاه یزد	افراسیابی، سعیدی مدنی، شکوهی‌فر (1395)
5	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی کاربردی	مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین (مدلی بر اساس نظریه زمینه‌ای GT) مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان	ناصری، کاوه و خوراسگانی (1395)
6	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی کاربردی	عوامل زمینه‌ساز دیرخوابی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه دانشگاه تبریز	عباس‌زاده، پیریلقون آقاج و موسوی (1396)
7	جامعه‌شناسی	تحقیقات فرهنگی ایران	تبیین فرایند تکامل هویت حرفه‌ای در بین دانشجویان دوره دکتری علوم اجتماعی در ایران	ودادهیر، صدیقیان بیدگلی و جعفری (1396)
8	جامعه‌شناسی	زن در توسعه و سیاست	طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری	زاهدی، دانش، راد و مجرب قوشچی
9	جامعه‌شناسی	زن در توسعه و سیاست	بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد	قادرزاده، غلامی و غلامی (1396)
10	جامعه‌شناسی	زن در توسعه و سیاست	واکاو نقش خیریه‌ها در تولید و تداوم فقر زنانه	بهار و فروغی (1397)
11	جامعه‌شناسی	انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	زیست مجردانه؛ علل و زمینه‌ها	حسینی و لطیفی (1395)
12	جامعه‌شناسی	خانواده‌پژوهی	برساخت‌های شخصی فهم همسران خیانت‌دیده از بخشایش همسر	رفیعی، کلانتری، نشاط-دوست و عریضی (1396)
13	جامعه‌شناسی	پژوهش‌های راهبردی امنیت و	مطالعه کیفی زمینه‌های اجتماعی مصرف سیگار در میان دانشجویان خوابگاه پسران	افراسیابی و مداحی (1395)

ردیف	حوزه	مجله	عنوان	نویسندگان
		نظم اجتماعی	دانشگاه یزد	
14	جامعه‌شناسی	پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی	عودلاجان؛ روایت مرگ یک محله: مطالعه پیامدهای معنایی تغییرات فضایی، در محله عودلاجان تهران	محمدی، علیزاده و حاتمی طاهر (1395)
15	جامعه‌شناسی	جامعه‌پژوهی فرهنگی	مطالعه کیفی دلایل و زمینه‌های زباله گردی در شهر زاهدان	ظهیری‌نیا و هادی (1395)
16	جامعه‌شناسی	مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران	برساخت اجتماعی عواطف منفی از جرائم منتسب به افغانستانی‌های مقیم شهر شیراز	روحانی و انبارلو (1395)
17	جامعه‌شناسی	مطالعات جامعه‌شناختی	نفرین و نفرت در ترانه‌های عامه پسند ایرانی (از سال 80 تاکنون)	خادمیان، سلیمانی فاخر (1395)
18	جامعه‌شناسی	توسعه اجتماعی	بررسی تأثیر توسعه بر هویت جمعی کردها (مطالعه جامعه‌شناختی تأثیرات توسعه اقتصادی-اجتماعی بر هویت قومی در شهرستان مهاباد)	رشیدی و ازکیا (1395)
19	جامعه‌شناسی	مطالعات فرهنگ-ارتباطات	چگونگی تغییرات زبان گفتاری از ترکی به فارسی در دو دهه گذشته و مقاومت در مقابل تغییر در حال حاضر	مهری و مهری (1395)
20	جامعه‌شناسی	تحقیقات فرهنگی ایران	کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند، و پیامدهای هم‌خانگی	گلچین و صفری (1395)
21	جامعه‌شناسی	تحقیقات فرهنگی ایران	برون‌ایستادگان رادیو تلویزیون دولتی در ایران	خانیکی و یحیایی (1396)
22	جامعه‌شناسی	مطالعات جامعه‌شناسی	تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و نوین با استفاده از نظریه بنیانی در احیاء، حفظ، نگهداری و بهره‌برداری از منابع طبیعی با رویکرد پساتوسعه	یوسفی، ازکیا و کلدی (1396)
23	جامعه‌شناسی	توسعه اجتماعی	مطالعه بیکاری از نگاه بیکاران روستایی و پیامدهای آن	رستمی و جاجرمی (1395)
24	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی	ارائه مدل توسعه گردشگری موسیقی مقامی در ایران بر مبنای رویکرد گراند تئوری	رفیعی و میرزایی (1397)

ردیف	حوزه	مجله	عنوان	نویسندگان
25	مدیریت	مدیریت بازرگانی	ارائه چارچوبی برای شناسایی ریسک‌های راهبرد در شرکت‌های هولدینگ سرمایه‌گذاری	سیدجوادین، صفری و ابراهیمی (1395)
26	مدیریت	مدیریت بازرگانی	طراحی الگوی بازاریابی آموزش عالی در ایران؛ مدلی برآمده از نظریه داده بنیاد	یاسینی، عباسی نیکو، تابان و پوراشرف (1396)
27	مدیریت	مدیریت در دانشگاه اسلامی	ارائه مدل فرهنگ‌سازمانی احسان محور؛ با استفاده از راهبرد نظریه‌داده بنیاد	توکلی، حمیدی‌زاده و رهبر (1396)
28	مدیریت	مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی	تدوین مدل شایستگی مدیران درجهت تحقق چشم‌انداز 1404	پورعزت، فتحی، عباسی و امیری (1396)
29	مدیریت	آینده‌پژوهی مدیریت	ارائه و اعتبار یابی مدل دیپلماسی تجاری در تجارت بین‌الملل بر مبنای نظریه داده بنیان و مدل معادلات ساختاری	اکبریه، وظیفه‌دوست، اردستانی (1396)
30	مدیریت	بهبود مدیریت	تبیین و طراحی مدل مدیریت منابع انسانی کارآفرینانه: رویکرد داده بنیاد (مطالعه‌ای در صنعت برق، گروه شرکت‌های ایران ترانسفو)	مقدم، کمالیان، اورعی، کرد و روشن (1395)
31	مدیریت	مدیریت دولتی	طراحی مدل چیره‌دستی در سازمان‌های علمی و فناورانه بر مبنای نظریه‌پردازی داده بنیاد (مطالعه موردی: جهاد دانشگاهی)	پورعابدی (1395)
32	مدیریت	بهبود مدیریت	الگوی نظری عملکرد طرح‌های توسعه محصول جدید در فضای نوآوری باز مبتنی بر قابلیت‌های مدیریت طرح	دلآوری و صبحیه (1396)
33	مدیریت	پژوهش‌های مدیریت عمومی	ارائه مدل مدیریت استعداد به روش نظریه مبنایی (مورد مطالعه: اپراتور تلفن همراه)	قلی‌پور و افتخار (1395)
34	مدیریت	پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی	الگوی مبنایی تخصیص بهینه منابع بازاریابی: رویکرد داده بنیاد	حاجی‌پور، عزیزی، قره‌چه و محمدی (1396)
35	مدیریت	تحقیقات بازاریابی نوین	ارائه مدل بومی برندسازی برای خرده‌فروشی‌های اینترنتی با استفاده از روش کیفی تئوری داده بنیاد	اخلاصی، شفيعی و انصاری (1395)
36	مدیریت	مدیریت بهره‌وری	توسعه شبکه‌های بین‌بنگاهی راهکار به‌کارگیری ظرفیت بلااستفاده بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی: ارائه نظریه داده بنیاد	نظری، حسنقلی‌پور، سلیمانی و نقابی (1396)

مرور انتقادی منابع به تفکیک معیارها

معیار صورت‌مسأله تحقیق

هدف از بررسی تحقیقات بر اساس معیار صورت‌مسأله تحقیق آن است که آیا در تحقیقات مبتنی بر نظریه‌زمینه‌ای، مسأله تحقیق در قالب «درک تجربه یا بازسازی معنایی» و در رابطه با «کنشگران» تدوین شده‌اند یا خیر. در این زمینه نتایج بیانگر آن است که ۵۱ درصد تحقیقات مسأله خود را بر اساس معیارهای نظریه زمینه‌ای تنظیم کردند و در صورت‌مسأله خود به بازسازی معنایی و تجربه کنشگران اشاره کردند. مابقی تحقیقات یا در طرح مسأله، سؤال مطرح نکردند یا سؤالات خود را با رویکرد کمی مانند «آیا می‌توان به چارچوبی را برای شناسایی ریسک‌های مرتبط با راهبردها شرکت‌های هولدینگ ارائه کرد؟ (شماره ۲۵)»؛ «آیا شایستگی‌های دیگری وجود دارند که مدیران فعلی ندارند، اما شما عقیده دارید که برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز مفیدند» (شماره ۲۸)، «علل مؤثر بر بیکاری چیست؟» (شماره ۲۳)، «الگوی مناسب برای دیپلماسی تجاری در تجارت بین‌الملل کدام است: (شماره ۲۹)، مطرح کرده‌اند. در این راستا می‌توان به تحقیقات شماره ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ اشاره کرد.

معیار چارچوب مفهومی یا ادبیات فنی

هدف از بررسی تحقیقات بر اساس معیار چارچوب مفهومی یا ادبیات فنی، آن است که آیا در تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای از نظریه‌های مرتبط با موضوع موردنظر بهره گرفته شده است یا خیر. همچنین آیا محققان برای بخش نظری از اصطلاح مناسب آن یعنی چارچوب مفهومی یا ادبیات نظری استفاده کرده‌اند یا خیر. در این راستا نتایج حاکی از آن است که ۶۶ درصد محققان در تحقیقات خود از نظریه‌های مرتبط بهره گرفته و ۲۰ درصد نیز بهره نگرفته‌اند. نکته حائز اهمیت آن است که در برخی از تحقیقاتی که از نظریه استفاده کرده‌اند از اصطلاح چارچوب نظری استفاده کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به تحقیق شماره ۳۷ اشاره کرد.

معیار سؤالات جزئی

هدف از این معیار، آن است که مشخص گردد که آیا بر مبنای چارچوب مفهومی و ادبیات نظری، سؤالات بنیادین مصاحبه تدوین و داده‌های اولیه گردآوری شده است یا خیر. همچنین سؤالات تحقیق بر فهم کنشگران از فرایند مورد مطالعه متمرکز است یا خیر. در

این راستا نتایج بیانگر آن است که فقط ۳ درصد از تحقیقات (تحقیق شماره ۲۲) دارای سؤالات جزئی هستند و مابقی تحقیقات علی‌رغم اشاره به نظریه‌های مرتبط فاقد بخش سؤالات جزئی هستند و از نظریه‌ها در راستای تدوین سؤالات اولیه یا سؤالات جزئی بهره نگرفته‌اند.

معیار جامعه مورد مطالعه

هدف از بررسی تحقیقات بر اساس معیار جامعه مورد مطالعه، آن است که مشخص شود در تحقیقات مذکور، مشارکت‌کنندگان تحقیق در زمینه موضوع مورد نظر دارای تجربه هستند یا خیر. در این زمینه نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۵۶ درصد تحقیقات جامعه مورد مطالعه شامل مشارکت‌کنندگانی است که در رابطه با موضوع مورد بررسی دارای تجربه هستند. در این راستا می‌توان به تحقیقات شماره ۱، ۴، ۶، ۷ و غیره اشاره کرد. مابقی تحقیقات نیز یا به جامعه مورد مطالعه اشاره نکرده‌اند یا این‌که جامعه مورد مطالعه آن‌ها شامل متخصصانی است که در رابطه با موضوع مورد بررسی دارای دانش تخصصی هستند (نه تجربه). در این زمینه می‌توان به تحقیقات شماره ۲۴، ۲۸ و ۳۴ اشاره کرد. «ما باید بنای فعالیت و برنامه‌های خود را به سمت دانشجو ... قرار دهیم» (شماره ۲۶). «بر اساس مطالعاتی که بنده داشته‌ام در سایر کشورها شرکت‌های بزرگ به‌جای این‌که کارمند استخدام کنند با عقد قراردادی از ظرفیت بلااستفاده سایر کارخانجات استفاده می‌کنند» (شماره ۳۶). نکته حائز اهمیت آن است در برخی از تحقیقات به‌جای اصطلاح «جامعه مورد مطالعه» از اصطلاح «جامعه آماری» استفاده کرده‌اند که مختص تحقیقات پوزیتیویستی و رویکرد کمی است؛ مانند تحقیقات شماره ۱۸، ۲۵، ۳۰ و ۳۴.

معیار روش نمونه‌گیری

هدف از بررسی تحقیقات بر اساس معیار روش نمونه‌گیری، آن است که آیا در تحقیقات مذکور از روش‌های نمونه‌گیری نظری و هدفمند که خاص تحقیقات نظریه‌زمینه‌ای هستند، استفاده شده است یا خیر. در این رابطه نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۸۳ درصد تحقیقات از تکنیک‌های مذکور بهره گرفته‌اند؛ مانند تحقیقات شماره ۱۲، ۱۶ و ۱۹. در این راستا لازم به ذکر است برخی از تحقیقات فقط به روش نمونه‌گیری هدفمند اشاره کرده و به روش نمونه‌گیری نظری اشاره نکردند؛ مانند تحقیقات شماره ۲، ۸، ۱۳، ۲۳ و ۲۸. مابقی تحقیقات نیز در متن مقاله اشاره‌ای به روش‌های نمونه‌گیری نکرده‌اند. نکته حائز

اهمیت آن است که در برخی از تحقیقات در این بخش از اصطلاح‌های رویکرد کمی مانند نمونه آماری (تحقیق شماره ۳۱) بهره گرفته‌اند.

معيار تعيين حجم نمونه

هدف از بررسی تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بر اساس معیار تعیین حجم نمونه، مشخص کردن این موضوع است که آیا محققان در تحقیقات خود برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع نظری بهره گرفته‌اند یا خیر. در این راستا نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۸۳ درصد از تحقیقات مذکور از این معیار جهت تعیین حجم نمونه استفاده شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۱، ۲، ۱۴، ۳۳ و ۲۹. مابقی تحقیقات نیز در بخش روش تحقیق برای تعیین حجم نمونه به معیار خاصی اشاره نکرده‌اند.

معيار تکنیک گردآوری داده‌ها

با توجه به آن که در تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و اسناد نوشتاری تکنیک‌های اصلی گردآوری داده به شمار می‌آیند، در این بخش هدف آن است که در تحقیقات مذکور تا چه اندازه از این معیارها استفاده شده است. در این زمینه نتایج تحقیق بیانگر آن است که در همه تحقیقات از تکنیک‌های اصلی گردآوری داده در نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شده است، البته در برخی از تحقیقات از یک تکنیک (مصاحبه) و در برخی از تحقیقات از چند تکنیک (مصاحبه، مشاهده و اسناد نوشتاری) بهره گرفته شده است.

معيار مراحل تحليل داده‌ها

هدف از بررسی تحقیقات بر اساس معیار مراحل تحلیل داده‌ها، آن است که در تحقیقات مذکور داده‌ها از چه زمانی شروع شده است. همچنین آیا در تحقیقات مذکور به مراحل سه‌گانه تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) اشاره شده است و این مراحل در بخش یافته‌ها تشریح شده‌اند یا خیر. در زمینه نقطه شروع تحلیل داده‌ها نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۲۸ درصد از تحقیقات هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها نیز شروع شده‌اند؛ به عبارت دیگر، مطابق با روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای گردآوری و تحلیل داده‌ها هم‌زمان بوده‌اند؛ مانند تحقیقات شماره ۸، ۱۶، ۳۲ و ۳۶. در راستای مراحل تحلیل داده‌ها، نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۹۲ درصد از

تحقیقات در بخش روش تحقیق به مراحل سه‌گانه (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) اشاره شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۶، ۱۱، ۲۲، ۲۸ و ۳۴. در رابطه با تشریح این مراحل در بخش یافته‌ها، نتایج بیانگر آن است که در ۳۳ درصد تحقیقات، این مراحل به‌طور کامل تشریح و داده‌ها تحلیل شده‌اند؛ مانند تحقیقات شماره ۳۴، ۳۱، ۲۷، ۱۸.

معيار تکنیک ساخت مقوله‌ها

هدف از بررسی تحقیقات بر اساس معیار تکنیک ساخت مقوله‌ها، آن است که مشخص شود در تحقیقات مذکور، محققان در ساخت مقوله‌ها (و مفاهیم) از تکنیک‌های پرسش و مقایسه که خاص نظریه زمینه‌ای هستند، بهره گرفته‌اند یا خیر. در این زمینه نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۲۵ درصد تحقیقات از تکنیک‌های مذکور بهره گرفته شده است. در این راستا می‌توان به تحقیقات شماره ۲، ۱۸، ۲۰، ۲۳ و ۳۷ اشاره کرد.

معيار تکنیک تشخیص ابعاد مقوله‌ها

هدف از بررسی تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بر اساس معیار تکنیک تشخیص ابعاد مقوله‌ها، مشخص کردن این موضوع است که آیا محققان در تحقیقات خود برای تشخیص ابعاد مقوله‌ها از تکنیک‌های «مجموعه سؤالات «چه چیز، چه کسی، چگونه، کی، کجا، چقدر، چرا، به چه وسیله‌ای» یا از تکنیک‌های وارونه‌سازی، مقایسه منظم دو یا چند پدیده و تکنیک تکان دادن پرچم قرمز بهره گرفته‌اند یا خیر. در این راستا نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۳ درصد (تحقیق شماره ۳) از تحقیقات مذکور از تکنیک‌های مذکور استفاده شده است. مابقی تحقیقات نیز به تکنیک خاصی اشاره نکرده‌اند.

معيار روش‌های نام‌گذاری مقوله‌ها

هدف از بررسی تحقیقات بر اساس معیار روش‌های نام‌گذاری مقوله‌ها، آن است که در تحقیقات مذکور محققان از چه تکنیک‌هایی در راستای انتخاب عناوین برای مقوله‌ها (و مفاهیم) بهره گرفته‌اند. آیا از روش گدهای جنینی استفاده کرده است یا ایده‌های ذهنی یا سایر پژوهش‌ها یا از خود مفاهیم. در این زمینه نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۶ درصد از تحقیقات از روش‌های مذکور استفاده شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۱ و ۳۶. مابقی تحقیقات نیز به روش خاصی اشاره نکرده‌اند.

معیار مدل پارادایمی: با توجه به آن که در تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، تدوین مدل پارادایمی یکی از بخش‌های اصلی تحقیق به شمار می‌آید، در این بخش هدف آن است که مشخص شود در تحقیقات مذکور از این مدل بهره گرفته شده است یا خیر. در صورت بهره‌گیری در کدام مرحله از تحقیق مورداستفاده قرار گرفته است. در این رابطه نتایج تحقیق بیانگر آن است که در ۸۶ درصد از تحقیقات مذکور از این مدل بهره گرفته شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۱۰، ۱۹، ۲۱، ۲۸ و ۳۴. لازم به ذکر است که در اکثر تحقیقات از این مدل در مرحله کدگذاری محوری و با هدف مشخص کردن روابط بین مقوله‌ها استفاده شده است، اما در برخی از تحقیقات مانند تحقیقات شماره ۸ و ۹ در پایان تحقیق و در بخش بحث و نتیجه‌گیری به این مدل اشاره شده است.

معیار تعیین مقوله هسته

در تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، تعیین مقوله هسته نقش اساسی در تولید نظریه دارد. هدف از بررسی تحقیقات مذکور بر اساس این معیار، مشخص کردن این موضوع است که آیا محققان در تحقیقات خود مقوله هسته را مشخص کرده‌اند یا خیر. در صورت مشخص کردن از کدام تکنیک‌ها بهره گرفته‌اند. آیا از تکنیک‌های نمودار، دسته‌بندی یادداشت‌ها با دست یا برنامه کامپیوتری و نوشتن خط سیر داستان که خاص نظریه زمینه‌ای است، استفاده شده است یا خیر. در رابطه با مشخص کردن مقوله هسته نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۷۲ درصد از تحقیقات مقوله هسته مشخص شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۶، ۱۷، ۲۳، ۲۹ و ۳۴. در اکثر تحقیقات این مقوله در مرحله کدگذاری گزینشی مشخص شده است، اما در برخی از تحقیقات مانند تحقیقات شماره ۲ و ۱۳ این مقوله در کدگذاری محوری یا در پایان تحقیق مشخص شده است. در راستای تکنیک‌های تعیین مقوله هسته، نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۲۸ درصد از تحقیقات مذکور از تکنیک‌های نمودار، دسته‌بندی یادداشت‌ها با دست یا برنامه کامپیوتری و نوشتن خط سیر داستان جهت تعیین مقوله هسته استفاده شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۱، ۲، ۶، ۱۸ و ۲۰. مابقی تحقیقات نیز در بخش روش تحقیق برای تعیین مقوله هسته به تکنیک خاصی اشاره نکرده‌اند.

معيار اعتباریابی

هدف از بررسی تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بر اساس معیار اعتباریابی، آن است که در تحقیقات مذکور محققان از چه تکنیک‌هایی در راستای تعیین اعتبار نظریه زمینه‌ای به‌دست‌آمده، بهره گرفته‌اند. آیا از روش‌های «مقایسه نظریه نهایی با داده‌های خام یا بازگو کردن نظریه برای افراد مشارکت‌کننده و بررسی انطباق آن با اظهارات خودشان» بهره گرفته‌اند یا خیر. در این زمینه نتایج تحقیق حاکی از آن است که در ۵۳ درصد از تحقیقات از روش‌های مذکور استفاده شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۷، ۱۵، ۲۴، ۳۱، ۳۴ و ۳۵. مابقی تحقیقات نیز به روش خاصی اشاره نکرده‌اند.

معيار تولید نظریه

با توجه به این‌که هدف اصلی در تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، تولید نظریه «محدود به واقعیت خاص» است، هدف از بررسی تحقیقات مذکور بر اساس معیار تولید نظریه، مشخص کردن این موضوع است که آیا در تحقیقات مذکور، نظریه‌زمینه‌ای تولید شده است یا خیر. در این راستا نتایج تحقیق بیانگر آن است که در ۶۱ درصد از تحقیقات بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده نظریه زمینه‌ای محدود به واقعیت خاص تولید شده است؛ مانند تحقیقات شماره ۵، ۱۰ و ۱۷. در مابقی تحقیقات نیز به جای نظریه مدل استخراج شده است که در این راستا می‌توان به تحقیقات شماره ۲۸، ۳۲ و ۳۵. «با روش نظریه‌داده بنیاد و مدل پارادایمی استراوس و کوربین، مدل فرهنگ‌سازمانی احسان محور شکل گرفت» (شماره ۲۷). در پایان این پژوهش، نتیجه به‌دست‌آمده بر این امر اذعان دارد که «با توجه به کلیه عوامل مطرح‌شده در مدل، نگرشی سیستمی، می‌تواند موجب تحقق برندسازی برای خرده‌فروشان اینترنتی گردد» (شماره ۳۵). این تحقیقات در عناوین، مسأله و اهداف تحقیق نیز به‌صراحت به این موضوع اشاره نموده‌اند: «هدف ارائه الگوی بازاریابی آموزش عالی در ایران است تا سیستم آموزشی با به‌کارگیری آن در ارائه خدمات آموزش آگاهانه، هدفمند و تخصصی‌تر عمل کند» (شماره ۲۶)، «تبیین مدل مدیریت منابع انسانی با رویکرد کارآفرینانه در گروه ایران ترانسفو» (شماره ۳۰)، و «الگوی کلان عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌های تخصیص منابع بازاریابی در سازمان‌های ایرانی به چه شکلی است» (شماره ۳۴).

نقد و بررسی حوزه‌های علمی

بررسی تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بر اساس معیارهای تعیین‌شده، حاکی از آن است که محققان دو حوزه جامعه‌شناسی و مدیریت در انجام تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای عملکردهای متفاوت داشته‌اند. به‌طوری‌که محققان حوزه جامعه‌شناسی در معیارهای «صورت‌مسأله تحقیق، چارچوب مفهومی، جمعیت مورد مطالعه، روش نمونه‌گیری، تعیین حجم نمونه، تکنیک گردآوری داده، مراحل تحلیل داده در بخش روش تحقیق، مدل پارادایمی، تعیین مقوله هسته، اعتباریابی، و تولید نظریه» عملکرد مناسب و در معیارهای «تدوین سؤالات جزئی، تشریح مراحل تحلیل داده در بخش یافته‌ها، اشاره به هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها، تکنیک ساخت مقوله، تکنیک تشخیص ابعاد مقوله، تکنیک انتخاب مقوله هسته، مقایسه با سایر نظریه‌ها و حساسیت نظری» عملکرد ضعیفی داشته‌اند. محققان حوزه مدیریت نیز در معیارهای «اعتباریابی، تکنیک گردآوری داده و مراحل تحلیل داده در بخش روش تحقیق» عملکرد نسبتاً مناسب و در معیارهای «صورت‌مسأله تحقیق، چارچوب مفهومی، جامعه مورد مطالعه، روش نمونه‌گیری، تعیین حجم نمونه، مدل پارادایمی، تعیین مقوله هسته، و تولید نظریه عملکرد مناسب و در معیارهای تدوین سؤالات جزئی، تشریح مراحل تحلیل داده در بخش یافته‌ها، اشاره به هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها، تکنیک ساخت مقوله، تکنیک تشخیص ابعاد مقوله، تکنیک انتخاب مقوله هسته، مقایسه با سایر نظریه‌ها و حساسیت نظری» عملکرد ضعیفی داشته‌اند؛ بنابراین محققان حوزه جامعه‌شناسی در معیارهای نظریه زمینه‌ای به‌جز معیار تشریح مراحل تحلیل داده‌ها در بخش یافته‌ها» عملکرد مناسب‌تر و بهتری نسبت به محققان حوزه مدیریت داشته‌اند.

جدول ۳: نتایج تحلیل انتقادی تحقیقات نظریه زمینه‌ای به تفکیک حوزه‌های علمی برحسب درصد

Table 3: Results of Critical Analysis of grounded Theory Researches by Scientific Fields by Percentage

تولید نظریه	حساسیت نظری	مقایسه با سایر نظریه‌ها	اعتباریابی	تکنیک انتخاب مقوله هسته	تعیین مقوله هسته	مدل پارادیمی	تکنیک انتخاب عناوین	تکنیک تشخیص ابعاد مقوله	تکنیک ساخت مقوله	هم‌زمانی گردآوری و تحلیل	تشریح مراحل تحلیل	مراحل تحلیل داده	تکنیک گردآوری	معیار تعیین حجم نمونه	روش نمونه‌گیری	جمعیت مورد مطالعه	سؤالات جزئی	چارچوب مفهومی	صورت‌مسأله	ردیف
61	0	17	36	28	58	53	3	3	19	22	14	58	67	55	61	50	3	41	48	جامعه‌شناسی
0	0	0	17	0	14	33	3	0	6	6	19	33	33	28	22	6	0	25	3	مدیریت
61	0	17	53	28	72	86	6	3	25	28	33	92	100	83	83	56	3	66	51	کل

بحث و نتیجه‌گیری

تلاش پژوهش حاضر نقد و بررسی تحقیقات مبتنی بر نظریه‌زمینه‌ای در ایران است. جهت پاسخ به مسأله تحقیق، چارچوب مفهومی مبتنی بر مبانی پارادایمی، فرض‌های اساسی، اجزای و ویژگی‌های نظریه زمینه‌ای تنظیم گردید و بر مبنای آن سؤالات اصلی تحقیق تدوین و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر آن است که تحقیقات ایرانی در زمینه معیارهای «صورت‌مسأله تحقیق، تدوین سؤالات جزئی، جامعه مورد مطالعه، تشریح مراحل تحلیل داده‌ها در بخش یافته‌ها، هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها، تکنیک ساخت مقوله، تکنیک تشخیص ابعاد مقوله، تکنیک انتخاب عناوین، تکنیک انتخاب مقوله هسته، اعتباریابی، مقایسه با سایر نظریه‌ها و حساسیت نظری» با مشکلات و چالش‌های اساسی مواجه هستند. این مشکلات و چالش‌ها را می‌توان در پنج دسته طبقه‌بندی کرد. دسته اول، چالش‌های تکنیکی است که شامل عدم شناخت محققان ایرانی از تکنیک‌های خاص نظریه زمینه‌ای یا عدم کاربرد این تکنیک‌ها در تحقیقاتشان است. از جمله این تکنیک‌ها، تکنیک

ساخت مقوله، تکنیک تشخیص ابعاد مقوله، تکنیک انتخاب مقوله هسته و تکنیک انتخاب عناوین و مفاهیم است. با توجه به آن که این تکنیک‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه زمینه‌ای هستند، ضروری است که نه تنها در تحقیقات مورداستفاده قرار گیرند، بلکه بایستی در گزارشات و مقاله‌ها نیز به آن‌ها اشاره شود. درحالی که در تحقیقات موردبررسی شده بسیار کم به این تکنیک‌ها اشاره شده است. نکته حائز اهمیت آن است که این چالش تکنیکی وجه مشترک حوزه علمی مدیریت و جامعه‌شناسی است؛ یعنی در تحقیقات این دو حوزه این چالش نمود دارد.

یکی دیگر از چالش‌های تحقیقات نظریه زمینه‌ای در ایران چالش شکاف نظریه و روش است. این چالش بدان معناست که محققان ایرانی هنوز شناخت کافی از کاربرد نظریه‌ها در تحقیقات نظریه زمینه‌ای ندارند. به همین دلیل در تحقیقاتشان یا به نظریه توجه نکرده‌اند، یا به آن توجه کرده، اما از آن بهره نگرفته‌اند. درحالی که ادبیات نظری و بهره‌گیری از نظریه‌ها در این روش در زمینه‌های مختلفی از جمله حساسیت نظری بسیار تأثیرگذار است و می‌تواند مثال‌هایی از پدیده‌های مشابه را برای محقق تدوین نماید (Mills, Bonner & Francis, 2006: 28). در این راستا نتایج معیار «چارچوب مفهومی» بیانگر عدم توجه به نظریه‌ها و نتایج معیار «تدوین سؤالات جزئی تحقیق» بیانگر عدم بهره‌گیری از نظریه‌هاست. نکته حائز اهمیت آن است که اگرچه هدف تحقیقات کیفی و به ویژه تحقیقات نظریه زمینه‌ای نظریه‌آزمایی نیست، اما این بدان معنا نیست که از نظریه‌ها بهره گرفته نمی‌شود، بلکه نظریه‌ها در تحقیقات کیفی حضور دارند و از آن‌ها در راستای تدوین سؤالات جزئی بهره گرفته می‌شود و عدم بهره‌گیری از آن‌ها یک اشتباه محض است. چالش سوم، چالش تحریف هدف است. کاربرد نظریه زمینه‌ای هنگامی مناسب است که در راستای تبیین مسأله به وجود آمده، نظریه‌ای مناسب یا وجود نداشته باشد یا به دلیل انتزاعی بودن، قابلیت آزمون نداشته باشد (Cho & Lee, 2014: 5). به همین دلیل هدف غایی نظریه زمینه‌ای، تولید نظریه جدید و انتزاعی است که بر داده‌های گردآوری شده از مشارکت‌کنندگان بتواند آن پدیده را تبیین نماید (Fassinger, 2005: 157; Neuman, 1999: 147). درواقع نظریه زمینه‌ای، روشی برای کشف نظریه‌های جدید و انتزاعی بر مبنای شواهد و مدارک مبتنی بر تجربه کنشگران در راستای تبیین یک پدیده در بستر و زمینه خاص و محلی است (Cho & Lee, 2014: 5; Chong & Yeo, 2015: 263). درحالی که نتایج تحقیق حاکی از آن است که در تحقیقات ایرانی به‌ویژه تحقیقات حوزه مدیریت، مدل‌سازی جایگزین نظریه‌سازی شده است. در این‌گونه از تحقیقات هدف تولید

نظریه نیست، بلکه تولید مدلی مبتنی بر دانش تخصصی کارشناسان و متخصصان است تا از طریق آن کارایی یک سازمان خاص افزایش یابد. جایگزینی مدل‌سازی به جای نظریه‌سازی در تحقیقات ایرانی (با تأکید بر تحقیقات حوزه مدیریت) بیانگر تحریف اصول روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای است.

چالش چهارمی که تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در ایران با آن مواجه است، چالش پارادایمی است. این چالش بدان معناست که محققان ایرانی نسبت به مبانی پارادایمی نظریه زمینه‌ای به‌ویژه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن، شناخت کافی ندارند. هستی‌شناسی پارادایمی که نظریه زمینه‌ای بر آن مبتنی است، نسبت به واقعیت اجتماعی بر این فرض استوار است که انسان‌ها آگاهانه اقدام به کنش می‌کنند و کنش آن‌ها دارای معنا می‌باشد و باورداشت‌ها و نظام‌های معنایی که مردم خلق کرده و به کار می‌گیرند، درک آنان را از واقعیت می‌سازد (Blaikie, 2011: 32-37; Mohammadpour, 2011: 319). به لحاظ معرفت‌شناسی نیز معتقد است از آنجاکه انسان محور اصلی و منبع تولید همه اشکال دانش است، دانش چیزی جز اشکال منظم شده و باز تفسیرشده دانش عامه نیست؛ بنابراین دستیابی به معرفت مستلزم فهم تعابیری است که کنشگران از دلایل و انگیزه‌های کنش خود دارند (Neuman, 2006: 43-44; Blaikie, 2011: 32-37; Mohammadpour, 2011: 319). این امر بدان معناست که جامعه مورد مطالعه تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای کنشگرانی هستند که در رابطه با موضوع مورد نظر دارای تجربه هستند و مسأله تحقیق نیز باید در قالب «درک تجربه یا بازسازی معنایی» و در رابطه با «کنشگران» تدوین شود. این درحالی است که در تحقیقات ایرانی به ویژه در تحقیقات حوزه مدیریت جامعه مورد مطالعه شامل کارشناسان و متخصصانی است که در رابطه با یک موضوع دانش تخصصی دارند نه تجربه. همچنین مسأله تحقیق نیز در قالب «درک تجربه یا بازسازی معنایی» و در رابطه با «کنشگران» تدوین نشده‌اند، بلکه در قالب سؤالات تبیینی که خاص رویکرد کمی است، تدوین شده‌اند.

آخرین چالشی که تحقیقات نظریه زمینه‌ای در ایران، چالش عدم معرفت کامل به مبانی نظریه زمینه‌ای است. این چالش بدان معناست که محققان ایرانی همه اصول، اجزا و مراحل نظریه زمینه‌ای را در تحقیقات خود رعایت نکرده‌اند. در این راستا نتایج تحقیق بیانگر آن است که در تحقیقات ایرانی برخی از اصول مانند هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها رعایت نشده است و برخی از مراحل مانند حساسیت نظری، هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها، تدوین سؤالات جزئی، مقایسه با نظریه‌های موجود، تشریح مراحل تحلیل

داده‌ها و تا حدودی اعتباریابی نظریه به‌دست‌آمده، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این در حالی است که ویژگی‌هایی مانند حساسیت نظری به دلیل آن که زمینه‌ی یافتن داده‌های جدید و خلق نظریه را فراهم می‌آورد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه زمینه‌ای به شمار می‌آید (Mills, Bonner & Francis, 2006: 28)، البته این چالش در حوزه‌های علمی مختلف، متفاوت است. به طوری که محققان حوزه مدیریت اصل تعیین مقوله هسته را نادیده گرفته‌اند و محققان جامعه‌شناسی تشریح مراحل تحلیل داده در بخش یافته‌ها را مورد توجه قرار نداده‌اند. حساسیت نظری، مقایسه با نظریه‌های موجود، هم‌زمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها و تدوین سؤالات جزئی نیز از جمله اصول و مراحل اصلی است که بین حوزه مدیریت و جامعه‌شناسی مشترک است و هر دو حوزه رعایت آن‌ها را نادیده گرفته‌اند.

نتایج تحقیق حاضر با توجه به این‌که حاکی از وجود چالش‌های روش‌شناسی در تحقیقات نظریه زمینه‌ای در ایران است، با نتایج تحقیقات هوتچیسون و جانستون (۲۰۱۱)، والوی و همکاران (۲۰۱۳)، مک‌کری (۲۰۱۶) و زمانی و بابایی (۲۰۲۱) همخوانی دارد. این امر بدان معناست که عدم شناخت مبانی روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای وجه مشترک محققانی ایرانی و غیر ایرانی است. مرور منابع تحقیقات مذکور حاکی از آن است که در برخی از تحقیقات (تحقیقات شماره ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۴)، محققان از منابع غیر اصیل که فقط «به شرح مراحل اصلی نظریه زمینه‌ای اکتفا کرده‌اند و مبانی پارادایمی و فرض‌های بنیادی نظریه زمینه‌ای را مورد توجه قرار نداده‌اند». با توجه به آن که یکی از عوامل ایجاد چالش‌ها و مشکلات در تحقیقات اجتماعی، عدم بهره‌گیری از منابع معتبر و اصیل است که منجر به عدم شناخت محققان نسبت به مبانی پارادایمی، مراحل جزئی، اصول و فرض‌های اصلی تحقیقات اجتماعی (کمی و کیفی) می‌شود، پیشنهاد می‌شود که محققان اجتماعی قبل از انجام در تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای با رویکرد استراوس و کوربین، کتاب «مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای» را با دقت مطالعه نمایند و به مطالعه منابع غیر اصیل اکتفا نکنند تا مرتکب اشتباهات و چالش‌های تکنیکی، شکاف نظریه و روش، تحریف هدف، عدم معرفت مبانی نظریه زمینه‌ای و چالش پارادایمی نشوند. همچنین داوران محترم نیز در داوری مقالات، معیار بهره‌گیری از منابع اصیل و معتبر را مد نظر قرار دهند.

تشکر و سپاسگزاری

در پایان این پژوهش لازم می‌دانیم که از همه اساتید حوزه جامعه‌شناسی که ما را در پیشبرد این تحقیق یاری رساندند، تشکر و قدردانی نماییم.

اصول و ملاحظات اخلاقی

لازم به ذکر است سهم نویسندگان در تحقیق حاضر، به یک اندازه بوده و ملاحظات و اصول اخلاقی ملازم هر پژوهش علمی در پژوهش حاضر رعایت گردیده است و هیچ‌گونه تعارض منافی نیز وجود ندارد.

References

- Azkiya, M., & Ghafary, GH. (2009). *Sociology of Development*. (P. Sarami; f, Alipourgeravnd, Trans.). Tehran, Keihan. [in Persian]
- Azkiya, M., & Imani Jajarmi, H. (2012). *Applied Research methodologies, applied Grounded theory approach*, Tehran: Keyhan [in Persian]
- Birks, M., & Mills, J. (2011). *Grounded Theory: A Practical Guide*, Sage
- Blaikie, N. (2011). *Approaches to social enquiry*. (H. Aghabeigpoury, Trans.). Tehran: jameeshenasan. [in Persian]
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory; a Practical Guide through Qualitative Analysis*, London, Thousand OAKS, New Delhi: SAGE Publication.
- Cho, J. Y., & Lee, E. H. (2014). Reducing Confusion about Grounded Theory and Qualitative Content Analysis: Similarities and Differences. *The Qualitative Report*, 19 (64), 1- 20.
- Chong, C. H., & Yeo, K. J. (2015). An Overview of Grounded Theory Design in Educational Research. *Asian social science*, 11 (12), 258-269.
- Dnaiyfar, H., Alvani, M., & Azar, A. (2014). *Methodology of Qualitative researches in management*. Tehran: Saffar [in Persian]
- Eaves D. Y. (2001). A synthesis technique for grounded theory data analysis. *Methodological issues in nursing research*, Blackwell science LTD.
- Fassinger, R. E. (2005). *Paradigms, praxis, problems and promise: Grounded theory in Grounded theory counseling psychology Research Grounded theory*, journal of psychology Research. Vol, 52, NO 2.
- Flick, U. (2009). *An introduction to Qualitative researches* (H. Jalili, Trans.). Tehran: Ney. [in Persian]
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Aldintransaction a Division of Transaction Publishers, New Brunswick (U.S.A) and London.
- Haghani, F., Shokri, T., Athar, O., Boroumand, M., & Farajzadegan Z. (2014). *Comparing Academic Achievement in Lecture-based Learning Versus Problem-based Learning among Medical Students: A Systematic Review*, Iranian journal of medical education. 14 (8), 731-741. [in Persian]
- Hitchcock, G., & Hughes, D. (1995). *Research and the Teacher*. (2nd Ed.) London: Routledge.
- Holloway, I. (2005). *Qualitative research in health care*, Maidenhead: Open University Press.

- Hutichison, A. J., & Johnston, J. (2011). *Grounded theory-based research within exercise psychology; a critical review*. *Qualitative Research in Psychology*, 8, 247-272.
- Iman, M.T. (2013). *Methodology of Qualitative researches*. Ghom: Department of philosophy of social sciences and humanities. [in Persian]
- Iman, M.T., & Mohamamdian, M. (2008). *Grounded Theory Methodology*. *Methodology of social sciences and humanities*, 14 (56), 31-54. [in Persian]
- Lingard, L., Albert, M., & Levinson, W. (2008). *Qualitative research, Grounded theory, mixed methods and action research*. *Practice, BMJ*, volume 331
- Littell, J. H., Corcoran, J., & Pillai, V. (2008). *Systematic reviews and meta-analysis*. New York: Oxford University Press.
- Marshal, K., & Rasman, G. (1998). *Qualitative Method*. (A. Parsaiian; M, Arabi, Trans.) Tehran: Dafter pazhoheshhaye farhangy. [in Persian]
- Mayer, P. (2009). *Guidelines for writing a Review Article*. Zurich Basel Plant Science Center. 2- 10.
- Mccrae, N. (2016). *Is it really theoretical? A review of sampling in grounded theory studies in nursing journals*. *Journal of advanced nursing*, 72 (10), 2284- 2293.
- Mills, J., & Bonner, A. (2006). *The Development of Constructivist Grounded Theory*. *International Journal of Qualitative Methods*, 5 (1), 25- 36.
- Mohammadnejad Shorkaiy, M., Jashniy Arani, M., & yazdani, H. (2012). *Meta analysis of research conducted in the field of factors affecting customer satisfaction*, *Journal of Business Management Perspective*. 10 (2). 141- 164. [in Persian]
- Mohammadpour, A. (2011). *Counter Method; logic and design in Qualitative Methodology*. Tehran: jameeshenasan. [in Persian]
- Mohammadpour, A. (2014). *Modernization experience; study of change and development in horaman with Grounded theory*. Tehran: jameeshenasan. [in Persian]
- Morse, J. M. (2001). *Siuating Grounded theory within Qualitive inquiry in Schreiber, Rita S., & Phyllis. N. (2001). Using Grounded theory in Nursing*, springer Publisher Company, newyork.
- Neuman, W.L. (1999). *Social Research Methods; Qualitive and Quantitative approach*, second edition.university of Wisconsin at white water.
- Neuman, W.L. (2006). *Basic of social Research; Qualitive and Quantitative approach*, second edition.

- Pandit, N. R. (1996). **The Creation of Theory: A Recent Application of the Grounded Theory Method.** *The Qualitative Report*, 2(4), 1-15.
- Rabbani Khorasghani, A., & Abbaszadeh, M. (2010). **Grounded Theory approach,** *Journal of applied sociology*. 20 (4), 163- 183. [in Persian]
- Rintala, M.T., Paarilainen. E I., & Asted, T-K. (2014). **Challngea in combing different data sets during analysis when using grounded theory,** nurser Researcher.
- Strauss, A. L., & Corbin, J. (2012). **Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory** (E. Afshar, Trans.). Tehran, Iran: Ney.
- Turner, J. R. (2014). **Grounded Theory Building for the Workplace,** *Performance Impartment*, 53 (3). 31- 39.
- Urquhart, C., & Fernandez, W. (2013). **Using grounded theory method in information systems: the Research as Blank slate and other myths,** *jornal of information technology*, 28, research aricle.
- Valvi, A. C., Frangos, C.t, I. C., & Frangos, C. (2013). **Online and mobile customer behavior: a Critical evaluation of grounded theory studies.** *Behaviour & Informartion technology*, 32 (1), 655-667.
- Zamani, B., & Babaei. E. (2021). **A Critical Review of Grounded Theory Research in Urban Planning and Design,** *Planning Practice & Research*, 36:1, 77-90.
- Zolfagharian,M. R., & Latifi, M. (2012). **Grounded theory with Nvivo8.** Tehran: university of imam sadegh. [in Persian]